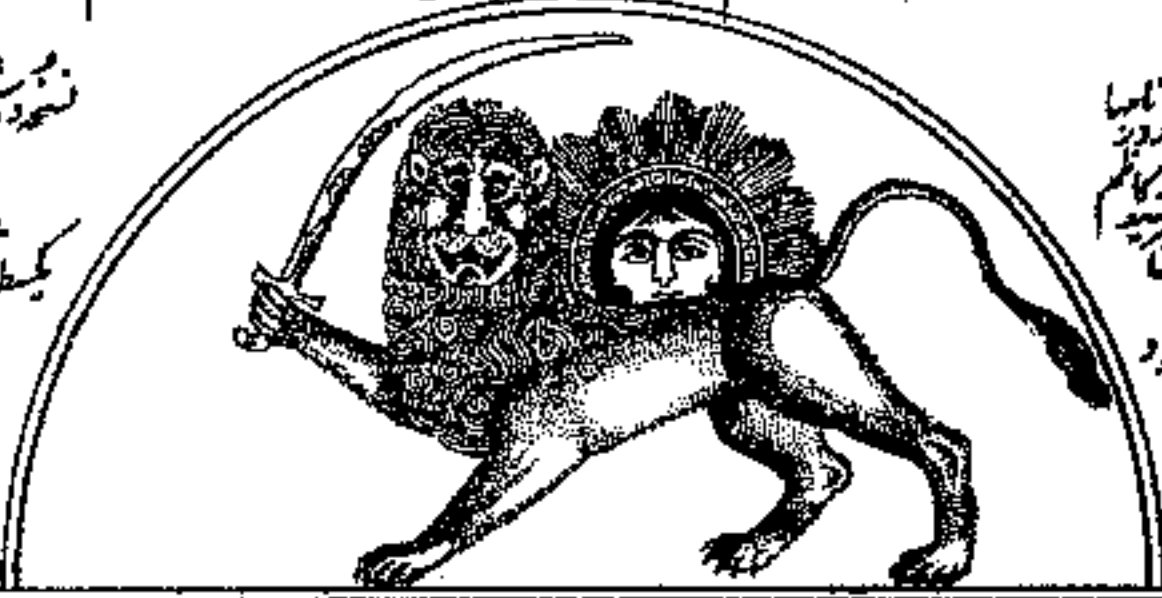


روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه بیستم شهریور تقویم بر مبنای سال ۱۲۶۷

وقت روزنامه  
نسخه سی و نهم  
قیمت اعلانات  
یکصد و چهار



نزه سی و نهم  
هر کس در طهران بخواهد این روزنامه  
باشد در بازار درو کاین  
بلور فروش فروخته میشود

اخبار و احداث مالک محروسه پادشاهی

اردوی همایون

خبر آنکه از اردوی همایون رسیده است حضرت آندس  
همین پادشاهی از دارالمؤمنین کاشان بطرف آب گرم  
محللات حرکت فرموده اند و چونکه این اوقات موسم شکار است  
میباشد که با باغچه شریف فرما شوند و چند روزی در آنجا بکار  
خواهند فرمود

روزنامه فرستاده اند و حکم دیگر این بود که شخواه این روزنامه  
در هر ولایتی حکام جمع کرده پیش پادشاهی بیاورند  
روزنامه برسانند حکام بعضی ولایات که چک که نزدیک  
بودند تا مقوم میباشند در روزنامه با آنها رسیده شخواه را  
جمع کرده فرستاده اند و آنچه نوشته اند در راه انداختن این  
شکل کردند خصوص حکام مازندران و استرآباد و بعضی ولایات دیگر

درین تابستان حرارت و گرمی بسیار از سالهای دیگر بوده و در  
هر جا شدت داشته است از اردوی همایون نوشته بود  
که بسبب گرمی هوا بسیاری از مریزان و سایرین ناخوشی  
و غیره داشته اند چونکه موکب سیروزی کوکب که از اصفهان  
فرموده اند از منازل جامای خوب که بجنب آب و هوای  
دارد آمده اند امید است که تا حال رفیع این ناخوشیها

دارالحکله طهران

در اول ماه انداختن این روزنامه صاحب محکم دیوان اعلی  
چاکران دولت علیه که در دربار همایون و سایر ولایات  
و لازم است که از هر خبر دولتی مطلع باشند حکم شده بود که  
روزنامه بپسند و میباشند روزنامه بفرستند بفرستند رای آنها

که شتری روزنامهها را زیاد کردند چونکه امسکی دولت علیه در  
اقدام این روزنامهها کوشش دارند امیدوار است که حکام ولایات  
جمع کرده در روزنامهها دست انداز ولایات بفرستند  
میباشند روزنامه نظم و تقسیم روزنامهها که در روزنامه  
از دارالحکله طهران بی در دست و تقسیم و تبدیل بجا بیاورند  
اند و درین کار بشود و هر خبری که قابل نوشتن باشد از هر  
میباشند روزنامه بپسند و چونکه روزنامه این دولت علیه  
بفرستند میرد و اگر خبر راست از گذارش این دولت بیاورند  
برسد باعث نیکنامی و اعتبار دولت و جواب بعضی اخبار در  
که پاره اوقات ازین دولت در روزنامههای فرنگستان  
هندوستان بی نویسند اگر آنها که اخبار از دولت ایران در

نسخه سی و نهم  
۱۶۵

روزنامه فرنگستان غیره می نویسند باسبب آنکه تازه آمده اند  
 و کذاشش این دولت را درست نفی می کنند و چیزهای بی فایده  
 اشخاصی که سبب و سبب این دولت چیزهای بی اصل می نویسند که با  
 بیست و اگر که از شیخ هم اتفاق افتاده باشد از نوشتن آنها دست  
 معلوم نمی شود درین صورت اگر روزنامه صحیح از این دولت غلبه  
 برود دروغ جلیاتی که آنها می نویسند خواهد شد و البته بسیار لازم  
 هم از برای مباشترین روزنامه هم بجهت آنها که اخبار از ولایات  
 می نویسند آنچه صدق کند از شش است بنویسند زیرا که اگر حقیقت حال  
 درین روزنامه نوشته نشود البته اشخاصی پیدا می شوند که کذاشش را  
 بطور بیسوسینند که بیان واقع نیست و اگر آنچه حقیقت حال درین  
 روزنامه نوشته شود هم روزنامه در دول خارج معتبر می شود

هم باعث اعتبار دولت خواهد بود  
 جناب جلالت آسای فدی سعید کبیر دولت علیه عثمانیه  
 روز شنبه گذشته از دار السلطنه اصفهان وارد دارالخلافه طهران  
 گردیدند

عالمی چو چو خان نایب اول مغرب الخاقان اچودان باشی در  
 یکشنبه گذشته بر کابنصرت انتساب سالیون احضار گردیده و  
 روانه شد

و رفو خانه بسیار که دارالخلافه در کارخانه قدره سازی عالمی  
 میرزا علی اکبر سر منگ فورخانه کوزه چه پنجن فولاد جوهر دار است  
 و در کوزه هم بخت کرده و پولادش بسیار خوب است که  
 اصل صبره این کار از شیر سازان غیره بسندیده اند و از همان پولاد  
 شیرد قدرهای خوب ساخته شده که یکی از آنها بجهت مغرب الخاقان  
 اچودان باشی بانام رسیده و نهایت امتیاز دارد و چند  
 هم از فرس پولاد در نورنگا داشته اند که نظر اولیای دولت ظاهر

برسانند هم چنین چرخ می رسم در کارخانه علیحده ساخته شده که همه  
 قدره که تیغه و غلافشان بپست سوناکاری می شد حالا دیگر احتیاج  
 به سوناکاری ندارند در طایف چرخ تیغه و غلاف قدره را پرداخت  
 و سیقلی می شود در کمال قله و خوبی و محلی این اسباب در این اوقات  
 از اتمام انشای دولت علیه بسیار بهتر و بیشتر ساخته می شود  
 و صنعت کاران فابری خوب مشغول ساختن شیر و قدره و فلک بسیار  
 اسباب نظام اند و خوب هم رسانده اند و امید است که کثیرا آید  
 روز بروز بهتر و بسندیده تر ساخته شود که مورد بخشش اهل خیره باشد

در ماه مبارک رمضان از عیال محمد تقی خان بختیاری که در سنگ در خانه  
 محمد باقر خان جلیج می نشینند مبلغ سه هزار تومان وجه نقد بفرستند  
 و خود محمد باقر خان را با دو نفر زنش که در خانه بوده اند عیال محمد تقی

و آدمهایش که فقه سه روز و شب مجوس داشته و انواع صدقه  
 و اذیت رسانده اند که فقه کلان مطلع شده بجهت اشخاص آنها  
 آدم فرستاده اند آنها را نیز زده و جواب گفته اند و نداده اند بالا

یکی از زنهای مشارالیه آنها را داخل کرده و خود را زینت بام خانه پادشاه  
 انداخته و راتب را بعضی مغرب الخاقان اچودان باشی رسانده فرستاده  
 و او را با زن دیگرش مستحکم کرده اند بعد که معلوم شده است نخواهد

زنی از حدنگاران عیال محمد تقی خان زدیده بوده است و بنده اهل  
 آن خانه اگرسان محمد تقی خان و محمد باقر خان بهر که امستنی داشته  
 که در نزد مالک نخواهد بود و کند و محمد باقر خان که البته صدقه کشیده است  
 ازین بقدت خبرند امشته است خواه فروردین چه موجود بوده بجهت آنها  
 هست و او است و آنچه حیف و میل گردیده در کار وصول کردن

از روزهای اگر برای نزد خراب دیده بوده است که باید بدین سلام

در یاد مراتب را خدمت تو ابش برزده بهرام میرزا عرض کرد و تا پنج  
 جمعه پانزدهم میرزا علی سعیدت خود را همراه او روانه کرد که  
 او را نیز جناب امام چه برده کرامت شاهانه بر زبان او جاری  
 کرده بدین سلام در آورده و تو ابش معظم الیه او را خلعت داده

در سر چشمه مله و لاجان قطبی حسن شمس الی از بالا خانه کچما  
 در مع ارتفاع داشته است زمین اشاده و چوچه استی باو شبند  
 تعبیر اجناس و از آن خلاصه طهران که در بعضی وقتها در روزنامه  
 نوشته میشود در حق ایشور را

گرم	۰ ۰ ۵ ۰	چوچه
سود	۰ ۰ ۰ ۰	سود
تاریخ	۰ ۰ ۰ ۰	تاریخ
پول	۰ ۰ ۰ ۰	پول
کله	۰ ۰ ۰ ۰	کله
مهر	۰ ۰ ۰ ۰	مهر
سود	۰ ۰ ۰ ۰	سود
پول	۰ ۰ ۰ ۰	پول
کله	۰ ۰ ۰ ۰	کله
مهر	۰ ۰ ۰ ۰	مهر
سود	۰ ۰ ۰ ۰	سود
پول	۰ ۰ ۰ ۰	پول
کله	۰ ۰ ۰ ۰	کله
مهر	۰ ۰ ۰ ۰	مهر
سود	۰ ۰ ۰ ۰	سود
پول	۰ ۰ ۰ ۰	پول
کله	۰ ۰ ۰ ۰	کله
مهر	۰ ۰ ۰ ۰	مهر
سود	۰ ۰ ۰ ۰	سود
پول	۰ ۰ ۰ ۰	پول
کله	۰ ۰ ۰ ۰	کله
مهر	۰ ۰ ۰ ۰	مهر
سود	۰ ۰ ۰ ۰	سود
پول	۰ ۰ ۰ ۰	پول
کله	۰ ۰ ۰ ۰	کله
مهر	۰ ۰ ۰ ۰	مهر
سود	۰ ۰ ۰ ۰	سود
پول	۰ ۰ ۰ ۰	پول
کله	۰ ۰ ۰ ۰	کله
مهر	۰ ۰ ۰ ۰	مهر
سود	۰ ۰ ۰ ۰	سود
پول	۰ ۰ ۰ ۰	پول
کله	۰ ۰ ۰ ۰	کله
مهر	۰ ۰ ۰ ۰	مهر
سود	۰ ۰ ۰ ۰	سود
پول	۰ ۰ ۰ ۰	پول
کله	۰ ۰ ۰ ۰	کله
مهر	۰ ۰ ۰ ۰	مهر
سود	۰ ۰ ۰ ۰	سود
پول	۰ ۰ ۰ ۰	پول
کله	۰ ۰ ۰ ۰	کله
مهر	۰ ۰ ۰ ۰	مهر
سود	۰ ۰ ۰ ۰	سود
پول	۰ ۰ ۰ ۰	پول
کله	۰ ۰ ۰ ۰	کله
مهر	۰ ۰ ۰ ۰	مهر
سود	۰ ۰ ۰ ۰	سود
پول	۰ ۰ ۰ ۰	پول
کله	۰ ۰ ۰ ۰	کله
مهر	۰ ۰ ۰ ۰	مهر
سود	۰ ۰ ۰ ۰	سود
پول	۰ ۰ ۰ ۰	پول
کله	۰ ۰ ۰ ۰	کله
مهر	۰ ۰ ۰ ۰	مهر
سود	۰ ۰ ۰ ۰	سود
پول	۰ ۰ ۰ ۰	پول
کله	۰ ۰ ۰ ۰	کله
مهر	۰ ۰ ۰ ۰	مهر
سود	۰ ۰ ۰ ۰	سود
پول	۰ ۰ ۰ ۰	پول
کله	۰ ۰ ۰ ۰	کله
مهر	۰ ۰ ۰ ۰	مهر
سود	۰ ۰ ۰ ۰	سود
پول	۰ ۰ ۰ ۰	پول
کله	۰ ۰ ۰ ۰	کله
مهر	۰ ۰ ۰ ۰	مهر
سود	۰ ۰ ۰ ۰	سود
پول	۰ ۰ ۰ ۰	پول
کله	۰ ۰ ۰ ۰	کله
مهر	۰ ۰ ۰ ۰	مهر
سود	۰ ۰ ۰ ۰	سود
پول	۰ ۰ ۰ ۰	پول
کله	۰ ۰ ۰ ۰	کله
مهر	۰ ۰ ۰ ۰	مهر
سود	۰ ۰ ۰ ۰	سود
پول	۰ ۰ ۰ ۰	پول

چنانچه نوشته شد که عالیجاه محسوب و خان نایب اول معرب انخان  
 اجودان باشی برکاب بایون احضار شد همسر اه جناب میرزا  
 صدر دیوانخانه که در روزنامه سابق نوشته شده نامور بهر سال  
 و ابلاغ نامه بایون بخدمت اعلی حضرت امیرالمؤمنین عظم کتلی جاکت روس  
 میبباشد و بجای شاره الیه معرب انخان اجودان باشی عالیجاه  
 رحمت الله خان نایب خود را در اطاق نظام قرار داد مذکور روز  
 در آنجا نشسته نامور قشون نظام رسید که

در روز شنبه شازده هم این نامه نو ابش برزده بهرام میرزا  
 معرب انخان اجودان باشی برشقی شیلیک سرباز رفتند  
 فوج جدید فرمان و فوج خرقان و فوج سواده و فوج چهارم در  
 دروازه دولت مشغول مشینیک بودند

در کتله سر چشمه مله و لاجان سباباطی بود که در زیر آن ندرانی بود  
 درین تنقیه کردن ندرانور یکی از ندرانی بر سباباط در فقه و سباباط  
 پائین آمد و ده پانزده نفر از کتله و غیره که در آنجا بوده اند سباباط  
 بروی آنها خراب گردیده کسی عیب کرده است کرده پانزده عدد  
 هندوانه و خربزه در زیر آوار سباباط ندرانور کتله و ضایع شده است

سربازی از فوج فرانسی کتله سباباط که در راه کن میدان کرده بوده است  
 سرب فوج ندرانور ضایع گردیده اخبار نموده صاحب تنسبا که  
 آمده و تنسبا کوی خود را تصرف نمود

از سایر ولایات سربازین بمینه خبری که قابل نوشتن باشد

### اخبار دول خارجه

کشتیهای جنگی و دریانگاری که در آق دیکر کشت میکنند در او اسط ماه مبارک رمضان نزدیک جزیره مالک بودند این تفصیل نوشته اند که یک کشتی بزرگ مدور و عراده توپ در میان کشتی که هر یک از هفتاد و چهار عراده توپ بیشتر دارند و یک کشتی چهل عراده توپ دارد و دویست و بیست و پنج کشتی دیگر هر یک چهار توپ بزرگ است و شش یا ده عراده توپ کوچک و از جزیره مالک نسبت به نرسیده بودند اکثر اوقات کشتیهای دولت انگلیس که در آن دریا میباشند بیشتر از اینها هستند در این اوقات چونکه در آن سمت ما جنگ و آشوبی نیست کمر کرده اند و ای لویی فلیپ که سابقا پادشاه فرانسه بود و بزرگترین آنها موافق فاعده ایش داشت تاج و تخت لویی فلیپ پادشاه ما و در آن در مملکت امکانتند بوده اند و بنا شده اند که تا چند مدت در آنجا توقف نمایند

در بعضی از ممالک فرنگستان چونکه نسبت به دولت و اعیان جمعیت آنها زیاد شده است سال بسال مردم از ولایت خود خارج میروند خصوصه بولاشینکی و نیای شسالی و ولایاتی که نسبت به پیش جمعیتش از همه زیاد تر است اول بعضی از ممالک است که جمعیت آنها نسبت بولایت انگلیس که اینقدر جمعیت دارد نسبت به دولت عرض و طول خودش زیاد است بعد از آن ولایت انگلیس است و ولایت سویس نیز جمعیت بسیار دارد و در این روزها ما میگویند که در شش ماه گذشته از یک ولایت کوچک سویس بیشتر از دویست جمعیت بیرون رفته اند و اینها همه به جنگی و نیای شسالی میروند و در آنجا سکنه مینمایند

۱۶۸

در روزنامه فرانسه نوشته اند که موافق خبر آخر که از جزیره العرب آمده بود که با قشون فرانسه خان بطریق عرب غالب آمد بود و امید داشته اند که جنگ آن ولایت را در بین روزها تمام نمایند در جنگ اخر از هر جفا صدمه فرگشته در میدان جنگ مانده بود و از طرف فرانسه یک فرگشته دست فرزند خود را زده اند و انگ شده بود و سرنگ بوده و قشون فرانسه بجای میخین خود را بخت درین سفر کوچک فرانسه با عرهابیت و شش جنگ کرده اند و در همه این جنگها قشون فرانسه با عرهاب آن ولایت غالب آمده و ولایت پورتو قال با رافتناش شده و قشون آنجا بسیار بی نظم بود بعضی از افواج آنجا با رافتناش کرده اند و میخواهند بطوری بکنند که در زاری آن ولایت دوباره عوض شوند و از هر سبب این ولایت بسیار بد بود احوالات متفرقه

در مملکت چینی که یکی از ولایات است یکی دنیای جنوبیت و در یکی از قبضه های کنار آن مملکت که لنگرگاه کشتیهاست در پست یکم رجب زلزله شد و شده شخصی از آنجا کاغذ نوشته است این مضمون که در همین وقت که نوشته ام و کاغذ منسوبیم خانها مانند کورای اطال حرکت میکنند و در چین زلزله سخت بود که از سی سال قبل ازین تا بحال چنین زلزله در آنجا نمانده است که کل این نصاب خراب شود زمین را مانند دریا از او خارج در ملاحظه دیدم در را و خراب خود بخود بازمی شود و بسته میکرد بعضی از خانه ها بزرگ عالی بکوه افتاده اند و بعضی کوه برفیاده همچنان بکشت مانده اند که با خراب کرده و از نو ساخت خانه که در او نوشته ام تا بحال ببقایده هستند و عجب نگردد است چونکه تازه تعمیرش کرده ام و در دور کل دیوار با شش تا آهن که داشته ام که بهم بسته شده و دیوار بارانها بد بسته است و حالا که کاغذ منسوبیم زمین هنوز آرام گرفته است

در بعضی از روزهای فرنگستان در اول ماه رمضان المبارک گذشته  
 پنجشنبه در باب گرفتن آفتاب که در بیت هشتم ماه فروردین کوفت  
 نوشته اند و خلق را اعلام کرده اند که در ممالک قسمت شمال فرنگستان  
 قتل و آبرو آفتاب گرفته خواهد شد و چنان تاریک باید بشود که  
 پیدا شوند تا در لادن پای تخت انگلیس از صد قسمت و آبرو ششاد  
 قسمت کرده شد و در شب اول قبل ازین که نام قرص آفتاب در دست جنوب  
 فرنگستان گرفته بود از تاریک شدن مواجراته تیر سینه آ  
 که در راه میرفتند باز استادند و دیگر پیش زرقه کاوا در چمنها  
 و بیابانها در یکجا جمع شده و سرهای خود را بیرون کرده بودند  
 مانند اینکه دست سطر صحرای گریه آورنده های دیگر باشند و سکا با  
 بلند گریخته پنهان کرده اند و در عنای خانگی جو جهای خود را در زیر  
 خود پنهان کردند و ز نور آبی مثل که در سپردن بودند مانند اسکندریه  
 شب جمعه مشوید مسجیان سبب جمع شده بودند و از نظر یکدیگر این  
 نوشته اند است و دنیا که قرص آفتاب در آنجا گرفته میشود از وسط  
 آسی و نیای شمالی و بحر محیط اطلالتیک و جزیره استند و ممالک تاریخی  
 و سویدن و دیگر و پرستیه الی وسط مملکت روس است که نام  
 قرص آفتاب در آنجا گرفته میشود

در ولایت فرانسه قشون زیاد و سینه ساخلو و محافظت ولایت دارند  
 که در نشانیال میمانند و آنها را بخارج میفرستند درین روزها  
 خیال کردند که بعضی از آنها میخواهند از دولت جمهوری فرانسه رود کرده  
 بشوند از آنجه اسباب حرب را از دست آنها گرفته اند و از خدمت  
 ساخلوی اخراجشان کردند و خیال داشتند که در گرفتن این اسباب  
 این اشخاص خالی از خبرتی نبودند و غشای نخواهد بود و اما بطوری کردند  
 که اسباب حرب از آنها گرفته نشد به و ن بر بخورد کی و از خدمت  
 اخراج شدند

درین روزها یکی از شهرهای کنار دریای فرانسه چند بار سینه که  
 از پارسیس های تحت فرانسه وارد شده بود و میخواستند بیرون  
 کشوند و بدند که کلاباس سربازی و صاحب منصب است دیوان  
 بسیار متعجب و شگفت گردید و بارهای فروردینجا بداشند تا تخمین شود  
 بعد علم شد که اینها مال یکی از اویهای مالکس است که بی سال  
 پیش ازین در ولایتش اقتدا مشش شده و اهل آن ولایت او را از آنجا  
 کرده بودند و از آنوقت در مملکت انگلیس می نشیند چند سال پیش ازین  
 میخواست قشون جمع کند که رفته ملک خود را بگیرد و این لباس  
 در آنوقت ساخته و حاضر کرده بوده بعد و بد که اینجسده خلاف  
 رای دولت فرانسه آن ایام که هم سرحد ولایت او میباشند است  
 موقوف کرده و این لباس نظام از آنوقت در پارسیس های تحت فرانسه  
 مانده بود و این اوقات میخواستند است بفرستند ولایت انگلیس  
 که بچنان که تخمین کردند و همین بدست آدهای او دادند بر روند

در کنار مملکت سسکی دنیای شمالی در ولایتی که از تیان میمانند  
 ذغال سنگی پیدا کرده اند که آتش بسیار تند است و خاکسترش  
 لم میماند و آنچه سس از خاکسترش بسیار سس رنگ است و چون که این  
 نزدیک یکی از رودخانه های بزرگ آن است است میسودند از آنجا  
 بر ریابرسند چنان میداند که صنعت زیاد خواهد کرد و خصوصاً از آنجا  
 و ستادن مملکت کلی قاریان و ولایات آن اطراف که ذغال سنگی در  
 بیشتر کشتی بخار مصرف میشود و چون کشتیهای بخار در آن ولایت  
 روز بروز زیادتری شود ذغال سنگی بیشتر مصرف خواهد رسید  
 کشتی بخار دولت انگلیس درین روزها در مملکت کانادا غرق شده است  
 شب در روی دریا میرفتند تا کاپیتانی که در زیر آب بوده است خود

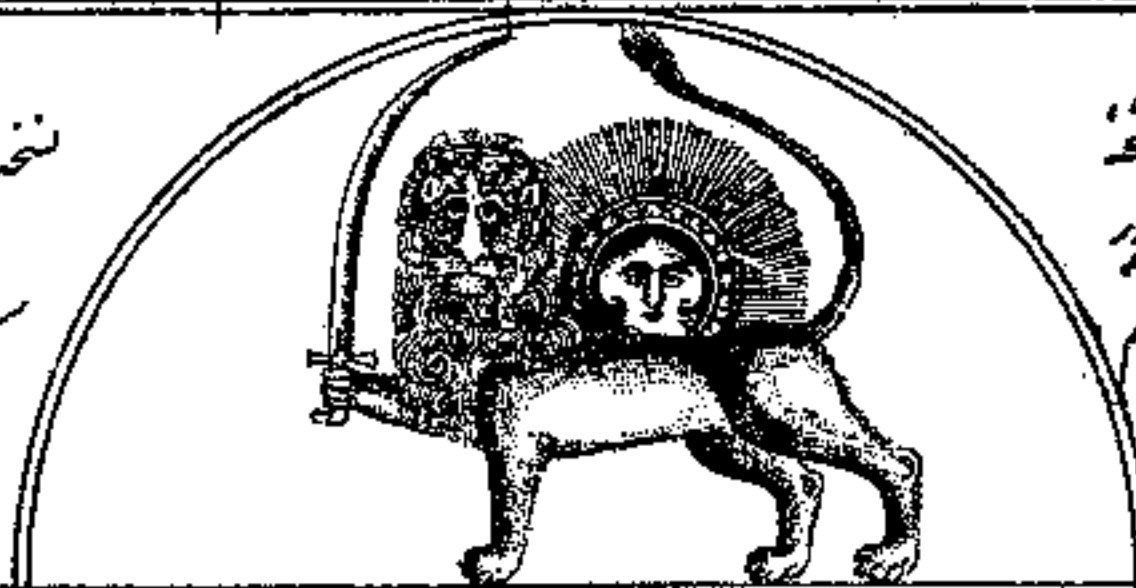
۱۰۰۰	کتاب تحت المجالس یک تومان و دو هزار دینار	چرخهای بخارا و آرزو نگریده اهل کشتی سرکشتی را از شکمها بیرون آورد
۱۰۰۰	کتاب یوسف و بلوهر سه هزار دینار	عقبکشتی پسنکهای دیگر خورد اما از شکمها که شسته میان آب عمیق افتاد
۱۰۰۰	کتاب حدیقه حکیم ثانی یک تومان	دیدند که کشتی ننگته و آب میانش می آید و میخواهد فرود برسد و سواران در قیافه
۱۰۰۰	کتاب یوسف زلیخا چهار هزار دینار	کرد در آنجا داشتند که دیدند و فرسود کشتی بخارا نیز در آنک مدتی فرود آمد
۱۰۰۰	کتاب همیشه تهنیت پنج هزار دینار	اما او جدا کرد و در او بود و همه خلاص شدند
۱۰۰۰	کتاب مرثیه جویری هشت هزار دینار	در ولایت انگلیس اسب دو دانی زیادی کشند و پولهای زیاد در سترها
۱۰۰۰	کتاب حیات القلوب جلد اول دو تومان	کرد می بیند بعضی از اهل انگلیس این کرد و از قسم نماز بازی و سپارید
۱۰۰۰	کتاب حق البقین پانزده هزار	میدانند و میخواهند موقوف کنند اما در میان خلق چنان متداول شده است
۱۰۰۰	کتاب حسنیه چهار هزار دینار	که موقوف کردنش ممکن نیست و در هر شهری از شهرهای بزرگ و در اکثر
۱۰۰۰	کتاب حلیه یک تومان	تقسیم بود و ولایت انگلیس سالی یک دفعه با او و دفعه اسب دو دانی میکنند
۱۰۰۰	کتاب اعمال سه تا پنج هزار دینار	در بعضی جاها پادشاه سالی دو لیست تومان میدهد بجهت هر کسی که مشیبت
۱۰۰۰	کتاب الف لیلی بیست و پنج هزار دینار	درین روز شخصی از اهل انگلیس در اسب دو دانی پول زیاد باخته است
۱۰۰۰	کتاب تاریخ معجم پنج هزار دینار	و دیده است که کارش از بافتن اینقدر پول عقب کرده است مطلب را
۱۰۰۰	کتاب جنات الخلود دو هزار دینار	بپنجکس روز نژاده حتی عیال خود هم حرفی نزده و خودش را
۱۰۰۰	کتاب انشای سیرت محمد بن حنیف چهار هزار دینار	گفته است بعد که فهمیدند هر چه نوشته است در سر است و دانی باخته بلکه سفر هم
۱۰۰۰	کتاب تاریخ نادیر پنج هزار دینار	
<b>اعلانات</b>		
۱۰۰۰	کتاب ابواب الجنان یک تومان	از کتابهایی که در دولت علیه ایران چاپ زده شده و قیمت بعضی از آنها
۱۰۰۰	کتاب سبلی مجنون ترکی چهار هزار دینار	در روزنامه های سابق نوشته شده و بعضی دیگر که نوشته شده از غیر آنها
۱۰۰۰	کتاب شرایح یک تومان	کتاب بشکول هشت هزار دینار
۱۰۰۰	کتاب نصاب یک هزار دینار	کتاب حدیقه اشعیه یک تومان
۱۰۰۰	کتاب زینب عطار دو هزار دینار	کتاب حیات القلوب جلد دوم پنج هزار دینار
۱۰۰۰	کتاب جامی شش هزار دینار	کتاب زاد المعاد چهار هزار دینار
۱۰۰۰	کتاب عنین الحیوة پانزده هزار دینار	کتاب زینت المجالس یک تومان
۱۰۰۰	در کارخانه و انطباع مسکود و نوشته میشود	کتاب فصول خوارزمی دو تومان
۱۰۰۰		کتاب قصص الانبیا پنج هزار دینار

۱۷۰



روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه بیست و هشتم شهر ذی قعدة الحرام اسطابت سال تنگور میل ۱۲۶۷

شرفی و چهارم  
هر کس در طهران خریدار شد  
این روزها با ما شده  
بازار در دکان میر سید کاظم  
بلور فروش در حقه بشود



قیمت روزنامه  
نسخه شاهنشاهی بیست و چهار  
قیمت اعلانات  
کسب سطر حاجی سطر کبیر  
پست سطر سطر پنجاهی

اخبار واحدا ملک محروسه پادشاهی

اردوی هایون

از قراریکه از اردوی هایون نوشته اند که کسب روزی که کتب  
شاهنشاهی از دست سلطه اصفهان که حرکت فرمودند منزل تبرک  
راه نظر ناکاشان تشریف آورده در روز بیستم ذی قعدة الحرام  
فین کاشان نزول اجلال فرمودند و در آنجا بجهت خوبی آب و هوا  
و زینت و صفای باغ و عمارت شاهی شش روز توقف فرموده اند  
و در روز چهارم از آنجا حرکت نموده اند و بسبب اینکه راه باطن  
کاشان در قهقبره کم آبی برای قشون عسرت داشته از راه تبرک  
بجسم تشریف فرما شده اند و برای زیارت روضه منوره تبرک  
حضرت معصومه چند روزی در قسطنطنیه تشریف خوانند و امت و از  
قراریکه خبر رسید این روزها در قهقبره چنانچه نوشته اند  
در بیستم ماه ذی قعدة الحرام بدار آنجا و مبارک طهران نزول اجلال خواهند

سر تک فرج نبرد بخت انفات مخلص گردیده مرضی حاصل کرد و ندک  
بکرمان مراجعت نمایند و مقرر شد که برای انقباض لک در راههای  
یرد و کرمان با بن منازلی که محوف و محل خطر از اسب زدودن  
سپهسالاران و کمانهای محکم ساخته قراول بگذارند که برنگ دردی آید  
بشود و عابرین و متردین با امنیت و سلامتی آمد و شد نمایند  
در همین در راه اصفهان هم که چند منزل محل خطر از دست  
دندان بوده حکم شده است که قراول کمانهای محکم و مضبوط داشته  
قراول دستخط بگذارند مسئول ساختن قراول خانهها باشند

سواره افسار آذربایجانی که بر کاسب هایون آمده بودند و مدتی بود  
که مسئول خدمت بودند از منزل کاشان مرضی خانهای خود شدند  
فوج ناصریه نیز از منزل تبرک از کاسب بفرست مناسب مرضی گردیدند

ز اتب سوتیه الدوله کاسب میرزا حاکم کرمان که با فوج جدید کرمانی  
بر کاسب عابرین بطور مستقیم پادشاهی آمده بودند فوج نبرد از نمان  
صورت سبایون که نوشته مقبول و طبع حاجی مبارک گردیدند و در  
روز حرکت بار کاشان قواسب سوتیه الدوله با علچاه امامعلی خان

فوج جدید که در سس هم در توقف قسم مرضی حاصل کرده اند  
علچاه حاجی میرزا حسین با که امنای دولت علیه برای تبدیل ایالت

سنان فرستاده بودند پیر زاهد حاجی جعفر شریفی آنجا آمد و کباب  
مجان می شدند و از قیدی که با رضای عیبت آنجا داده بودند بر زمین  
دولت رسانده مشرف به استخوان افتاده و جسم امضای آنرا حجت مند

یک کلچو زود یک جبه عاقری از مال عالیجاه میرزا محمد حسین احکام نویسن  
در منزلی که اردوی مابون از جن کاشان بجهت برود حرکت کرده بودند  
از ترک آبداری آمش در راه افتاده بود آدم عالیجاه حسنی خان که کوی  
پیدا کرده آورده بعینهار دهنده و انعام خوبی با داده شده

سایر ولایات

از فرار یک در روزنامه خراسان نوشته اند نواب حسام السلطنه که با  
بطرف حسرت حرکت کرده بودند در روز چهارشنبه دویم شهر رمضان  
سینه را در کالی با توفی گذاشته و آنچه سواره پیاده بود با هفت عاده  
توب و قورغانی سپار بر داشته در یکشنبه ششم در روز پنجشنبه  
فرود آمده اند اگرچه در روز و دو بجهت گرمی هوا و کم آبی راه قشون سپا  
عسرت کشیده بودند لکن بقدر حین از شتر و کوسه از مال ترکان  
سرخس بیست آورده بودند بعد مصارف خوراک غیره ضبط قشون  
شده و بانی شتر که منافی تجرد و زبده بودن قشون است بجا گذاشته  
و در مقام نبرد از آنجا حرکت کرده در نیم فرسخ قلعه نظام وارد شده  
و در آنجا قریب شش هفت هزار نفر از سواره و پیاده ترکان از غلظت  
آمده بنای معادن و محاربه گذاشته اند و تا چهار ساعت جنگ طول  
و جماعت ترکان شکر فاختی خورده و حصاری شده اند و در روز ششم  
نواب میرزا ابوالقشون بدو طلعه نبرد و قه از روز تا نزدیک غروب  
نایره حرب شتال داشته و از غلظت ترکان بیساری تلفت و زخم  
و دستگیر کرده و دستگیرها دیده بودند که تاب مقاومت نداشتند  
روز دهم چند نفر از رئیس سفیدان خوش و در پس اصعب برشته

۱۷۲

خدمت نواب حسام السلطنه آمده بودند پیشکش آنها قبول نشده و در  
روز دهم آمد و رفت داشته اند پیش از ورود عساکر منصور و حسرت  
خان خوارزم با قشون سپاه برای چراندن قلعه مرد به امر آورده بود  
خسب مادی جز آدم نبرد و دستاورد و طبعی شده بوده اند شارب  
عریف خدمت نواب حسام السلطنه نوشته که حسرت و آقا و طرکان از  
خواستن ترسیده کرده اند و تنها داریم که عساکر منصور را از حسرت کو چانه  
و امر حسرت با و اگه از نند و اگر حسرت با ما بکار آمدند آنچه کرده  
از حسرت سنج اینها از عهد بر می آیم نواب حسام السلطنه بنا بر مصلحت  
از آنجا که حیدر در نورد و آباد که چهره حسرت و محفل مذمت آنجا  
نزول اجال نمودند بعد از چند روز توقف در آنجا سبب تا سازگار  
آب و هوا ناخوشی بسیار در میان آمده و بهم رسیده لایه از آنجا  
حرکت کرده در نزدیکی آق در بند در پس که توقف نموده در آنجا یکی  
سپار تا که تازه بست قشون افتاده بوده است که نخبه خود را بر اردو  
رسانده از او گذارش حسرت با جو باشد و چون که کفر بود که درین  
دوب و حواسی بعد و منصب با افتاد و نغز از ترکان کشیده شده و خوار  
نبرد در میان سپاه است نواب حسام السلطنه بجهت کثرت ناخوشی در  
سیان قشون در دویم شوال از پس که حرکت فرمودن را بنیاد داشته  
و عالیجاه نسلیج خان با یکصد نفر سواره در نزدیکی اردو خراول بوده  
آن شب راهم قریب یک هزار نفر سواره و دو بیت نفر پیاده از حسرت  
سپهون آورده و در آن سمت که قراول نبرد بوده کین کرده بودند  
و کسی نداشت غفلتاً سپاه سواره خراول بخت اند و ساعت جنگ  
طول کشیده و از سواره ترکان به چهل نجاه نفر نبردین دعوا گشته شد  
و سپاه می هم زخمی کرده اند و از قرار مذکورده نفر از آنها  
که قمار کرده اند و قراولان تا سرب و بار و داشته اند با کمال  
کوشش در دایمی جنگ کرده اند بعد از آنکه سرب و بار ایشان تمام شده



داسب عالیجاه طبع خان قسم بگلزار افاده از داسب پیاوسته  
 و خود را بگوه کشیده اند و سواره زرگان بسبهای آنها را با قدری شسته  
 و اسب و غیره که از اردو در آن حوالی بود پیش کرده و دیده بودند که  
 نزدیک است از اردو امداد ببرد و بگوه ترفند کرده و رفته بودند و اسب  
 حاکم سلطنت با حقیقت و توخاند بجای جنگ طبع خان و سواره ادوخی  
 رسیده اند که ترکمانها رفته بوده اند آنها نیز مراجعت کرده در روز  
 چهارم شوال ارتسیر حرکت فرموده و راق در بنده قزاق اول پیشکش  
 که امشته در روز دهم شهر شوال وارد چین کال با قوتی شده اند  
 و در آنجا توقف دارند

هم نمیشود غل به بد بگاده آدم سرخ موی کبود چشم و امثال آن اگر با شتر  
 شود مرانید بر ترشید بلکه بعضی اشخاص اگر نگاه کنند صاعقه شتر  
 و پاک کردن چشم بزیره بسیار حسوبت دارد چونکه بقدر در خود دارد  
 آب جسیع بشود و بسیار شقت دارد پاک کردن آن بسیار است که  
 آن خیر نخی که در میان آن افاده و بر پدید شود و ازین سبب با ده  
 صاعقه را داخل می کنند تا بابت روز و بگاه مساکت نمی شود  
 و ازین سبب باغات و زراعات و کوهنقد و سایر چیزها ضایع میشود  
 و از فرار یک میگویند اسال را در روز پنجشنبه و روز دالو بود  
 تا تا زمین ریخته و سر با باد سختی شده بود بعد که معلوم کردیده اند

انجمن بدست

رعایای اطراف دامغان در خصوص حسنه که در آن نزدیکها است  
 احتیاج و غریب دارند و درین روزها درین خصوص مابین تفصیل نوشته  
 که حسنه است و پنج فرسخی دامغان و موسوم است بحسنه یاد حسنه  
 از نوره و دست شمالی دامغان در جنب شرقی قریه کلاته دایم است  
 آب کمی دارد پنج و شش قدری جاری میشود و زمین فرو میرود و اگر  
 چیزی افتاد و رات یا نجاسات یا اسخوان مرده یا نه حیض در آن  
 چشمه پدید آید دستی بنزد باد و صاعقه غلطی بر پایش بطوریکه  
 از بیت و ضرر زیاد می رود و دامغان میرساند در ختمای قوی و محکم را  
 از جا میکند و جسیع محمولات جو کند م و غیره و رضایع می کشند  
 از باب و رحمت دامغان بعد اوقات خانه خراب اند و چو قوت  
 از محصول زراعت و باغ و سبزان بهره مند نیستند چو که حسنه  
 مرده و معبر واقع است و اکثر عابریں از بد نفسی بد علی از شبها  
 مرده می اندازد و باعث ازیت و آزار مردم چهاره میشود و باو  
 پاک کنند آرام نسبگرد و طریق پاک کردن آن این است که با آب جسیع  
 چشمه را بیرون بکشند تا دوباره آب جدید بجای آید که با اصلاح عوام  
 غسل دهند و صلوات بسیار بفرستند و کوهنقد فرانی نمایند و بعد

از فرار یک از صفحات استر اباد نوشته بودند درین اوقات کال  
 افتد در آنجا است بطوری که سالها سابق سی نفر کجی از راه  
 خیابان قدیم جرنت بگردند عبور نمایند حالا بطوری است دارد  
 که یک نفر زن بسیار دیده شده است که از آن سبب پنهانی  
 به مات میرفته است و درین روزها دیده بودند که دو نفر زن بوضع  
 سواره و یک نفر مرد سواره داشته اند و از راه خیابان مرزوبوم  
 مات میرفته اند

یک نفر شیرازی در استر اباد در کار و اندر ای محمد تقی خان تهرلی داشته  
 که کارش در زوی بوده است و در ماه رمضان المبارک گذشته  
 رفته از چند خانه و دکان اسباب بسیاری در دیده بعد از چند  
 وقت همان اسباب را در میان خویشی ریخته برده است و از شهر  
 بیرون رفته و بیرون شهر بخاطرش رسیده است که یک تنه  
 زیر پای او در کار و اندر اجماعا نام طلعتش غالب آید و خویش را در بیرون  
 پنهان کرده و خودش بی ندر کار و اندر آید و کار و اندر او کرده  
 که خویش را اسباب بود که بجا میروی و دارد و در اجبر در کرده

۱۷۳

+

+

آمد و در گرفته بعد از تجدید بزرگی خود اعتراف نمود و خورجین از ایشان  
 گرفته آوردند و مال کسب را با صاحبش رد کردند و خود او را در حبس دادند  
 چندی پیش ازین بعضی از سواران پسران ترکمان بجزیم چپاولک بدست اطراف  
 استرآباد رفته بودند و عالیه محمد و لیجان بکچر پسلی که در اردو بودند خبر داد  
 شده هان غت از سواره اردو فرستاده بود در میان صحرا با آنها  
 رسیده و جنگ کرده اند یک سروسه فراسیر از ترکمانان بدست  
 و باقی ترکمانان فرار کرده اند و از فرار یک معلوم گردیده ازین سه نفر که  
 دستگیر گردیده اند یکی بزرگ آنها بوده است که یا پلوان نام دارد

### دارالخلافه طهران

در روزنامه این هفته چونکه مرده و در دو ملک کاوین پادشاهی در  
 طهران نوشته شده که در ششم ماه آینده تشریف فرمای شوند با  
 فرج و شادمانی و انبساط زیاد بجهت اهل دارالخلافه خواهد بود زیرا که  
 گذشته از اینکه بموم نوکر و رعیت این دولت علیه غیرت کش و دو شو  
 پاستند متعنت دیگر نیز در تشریف آوردن حضرت امده تسلی  
 برای تجار و کسبه متعتمن است که معاملات و داد و ستد آنها در  
 این چند ماه بسیار کساد بود و در و اج و رونق داشت درین اوقات  
 که بجهت درو حضرت امده تسلی با این در معاملات بسیار رونق درون  
 بهم میرسد عالی و ادواتی این شهر در حال رفتنی میباشند

در روز شنبه بیستم این ماه جناب حالات عالی محض و وزیر  
 دولت بینه انگلیس با صاحب منصبان سفارتخانه از اصفهان وارد  
 دارالخلافه طهران گردیدند و چونکه بناواستند که بشیران بروند و با چند  
 وقت در آنجا توقف نمایند داخل شهر نشدند و از نزدیکی شهر از طرف  
 گذشته و بقریه قوهک بشیران رفتند و ما چند مدت در آنجا  
 توقف خواهند داشت

در سینه که نوشته در باب تنخواهی که از جمال محمد تقی خان کهنه سپاهی  
 شده بود نوشته شد و لکن بعضی که عالیه محمد تقی خان کلاترین  
 هفتاد و خصوص شجوه منور نوشته این است که یک هزار و دویست تومان  
 پول نقد که دویست صد چهارده هزار و دویست و پنجاه عدد با باندی  
 ارسبی و سی عدد کتوری و تخته توانی بوده زن محمد تقی خان با دو فرار که  
 داشته در میان طرف مس در اطراف دقن کرده بوده بعد از چند روز  
 میرود که و ارسبی نماید دیده است که آن مکان قدری که دست کتیزی  
 همراه او بوده باه حکم کرده است که یک سبی خاک پاریس کوئی بریزد  
 بعد از رض خدمتکار منور عقب خاک لقمی شود که شاید بفریبد و شک  
 خاک می آورد و جای دیگر را هم میدهد که خاک بریزد و بعد از چند  
 روز دیگر همان خدمتکار رفته و مکانها را کاویده خواه را بر دل آورده  
 چها س خان ابروانی و محمد باقر خان خلیج که در همان خایساکن میباشند  
 قدری از آن شجوه داده و کلیه از راه عباس خان داده بوده و در میان  
 کتیزی خود سبب سبب خیده بوده روزی نوکر محمد تقی خان کتیزی را در  
 بازار می بیند که اشرفی چهارده هزاری در دست دارد و میگوید آمده بخانم  
 خبر میدهد و سیر شجوه رفته می بیند که برده اند کتیزی را آورده است خواه میکند کتیزی  
 میگوید برده ام و عباس خان و محمد باقر خان دادگازن محمد تقی خان آنها  
 در حالتی گرفته و در روز و شب بموس که ده دینار چهارصد انصافان  
 از عباس خان خنده وصول کرده بعد از آن که در شش بقربان خان اجودان باشی  
 رسیده و جاهه کلاترین حکم آنها را برده و باقی شجوه را او را برده اند  
 محمد باقر خان بگوید ازین شجوه کتیزی منور سی تومان بمن قرض داده و بیست و نه هزار

### احوال متفرقه

حسود نام که در ایام جنگ مجارها بزرگ آنها بود و مدتی است در ملک روم  
 دارد که با این روزها از آنجا فرستاده شود که بولایس انگلیس برود و اگر قرار  
 دیگر مجار که در مالک روم بود بیاک سفره رفت

۲

۳

درین روز در ملک فرنگ یک معصری گشته اند که تل غری کرده بود  
 یکی از دسته در زمان بود که نام او زبان فرانس به مشهور بود که  
 بسنی که گشته است چونکه این در زمان فرنگی که گشته که  
 نیست و استند پول یا اسباب قبت دار که در آنجا نیست پیدا  
 نماید صاحب خانه ز می آوردند و بر سر غسل آتش می شانند تا پول  
 و سایر اسباب که اینها که در خانه داشت بر وزید و هفت نفر از  
 در زمان را گرفته حکم قتلان را دادند و سایر این دست متفرق  
 و تمام گردیده اند و این شخص یکی از آن هفت نفر بود که درین روز

در اگر جای دنیا خصوص در روی در باد و در کام طوفان و هوای محال  
 باد کوه می شود که در باد یا کوه باد می گویند و گاهی از ابر در میان این باد  
 آب پائین میریزد مانند آب میان آسیاب بچند و گاهی آب از  
 دریاچه و غیره بالا می کشد و در روی دریا این باد از برای کشتیها  
 تشویش دارد که اگر روی کشتی بیاید یا می شکند یا غرق میکند و عموماً  
 در انداختن توپ دیده اند کشتیها این مصلحت را می دانند و کشتیها  
 باد می آید توپ بطرف اوی اندازند و هفتا متفرق می شود و درین روز  
 نوشته اند که یکی ازین کرد باد های بزرگ در سمت شمال ولایت  
 انگلیس آمده بود و در آنجا در روی رودخانه بند ساخته بودند  
 که آب رودخانه را بجهت گرداندن آسیاب بالا بکشند این باد آمده  
 زیاده از بند زور برداشته تا ضرری دیگر به آن اطراف زمانه

در روزنامه شهر کلون نوشته اند که اعلیحضرت امیر اطرم مالک  
 درین فصل با نیزه شده و پند پای تحت امیر اطرم مالک استر  
 که دولت استر در آنجا شون جسی می کنند تا شای شوق شون استر  
 نمایند

در روزنامه فرانسه فصلی را در عجیبی نوشته اند که درین روز  
 در پاریس ای تحت فرانسه اتفاق افتاده چند سال پیش این  
 کتیبه نام که از دولت جمهوری خود ناراضی بود و بیسکی دنیا رفت بود  
 بعد از چندی مرحت کرده و به اهل فرانسه گفته بود که در آنجا اطلاق  
 گرفته ام که آبادی ندارد و هر کس مایل باشد که در آنجا آبادی کند  
 با هم شریک بشویم که رفته در آنجا کنن تا نیم و چونکه درین ولایت  
 با ما بد میگذرد امید دارم که دمی که با شما برویم که محکوم کسی نیام  
 خوش بگذریم بعضی مردم کم عقل در ولایت فرانسه بجز جای  
 شده چرا داشتند فرخنده و پولش را با این شخص دادند و او هم

کرد که آنها را بی اخراجات دیگر به اطلاق که خریدار است روانه نماید  
 سجد نفر تا آنجا فرستاد تا خودش در پاریس پای تحت فرانسه  
 بعد از آنکه این اشخاص بیسکی دنیا رفته بودند دیدند که آنچه این شخص گفته است  
 بیشتر دروغ بوده نه اطلاق است و چیزی زمین بلا مالک بسیار  
 اما با و خطیستی ندارد آنهم بقدری هزار تومان از آنها گرفته است  
 در پاریس نشسته و خوش میکند از بعضی از آنها که آن ولایت  
 بودند تلف شدند و بعضی جا بجا کرده به اطراف دیگر متفرق کردند  
 و قدری از آنها حالاً به پاریس پای تحت فرانسه مرحت کرده اند  
 و این شخص را بعد از آنجا کشته اند از او مواخذة و بازخواست مینمایند  
 و خواه خود را از او ادغامی کنند این شخص در جواب میگوید که او  
 جمعیتی بودیم جمع المال من هر چه داشته ام در روی این کار گذا  
 و آن تمام هر چه داشته اند در روی این کار گذاشته اند و اگر چیزی

در نزد خود نگاه داشته باشند خیانت یکدیگر کرده اند و درین  
 تحقیق میره زنی گفته بود که بقدره تو مان نگاه داشته بودم که این  
 و تو مان سبب خیانت من از کسکی شده بولایت خود مرحت کردم  
 میسوی کتبه گفته بود که تو از بیقرار خیانت زبا کرده که ده تو مان نگاه داشته

محاسب گذاشته که بحساب آنها برسد آنچه محاسب فرمود رسیده  
و تصدیق کرده است بقدر میت هزار تومان در گردن او مست و  
در تحقیق اندوخته شده اینقدر میداند که بسیار مردم ازین خضره  
به استیفاء افتاده و خانه خراب کرده اند و بی چیز و بی اوضاع  
بشهرهای سینکی و بنارس رفته اند

در جزیره مانده درین روزها برچی تازه ساخته اند بجهت کوه اشرف  
کشت در دریا کشتیها راه را گم نکنند از صاحبان کشتیهای دولت  
فرانسه و انگلیس و غیره چونکه بجهت ساعش این برج میخوانند و چه غیره  
از مانع ساعتین برج فرود شده اند و بدول خودشان عمر گناه

اعلانات

در ولایت انگلیس در بعضی جاها که نزدیک بریاستهای خان فرادا  
که در زمینی که کندم و جو خواهند کاشت بجهت قوت زمین بجای که تری  
و در سندان نیز در بعضی جاها عرض کوهت ازین مایه بزینها میریزند  
انوار آنجا چون هوای بسیار متعفن میکند دولت این قسم عمل را قند کرده

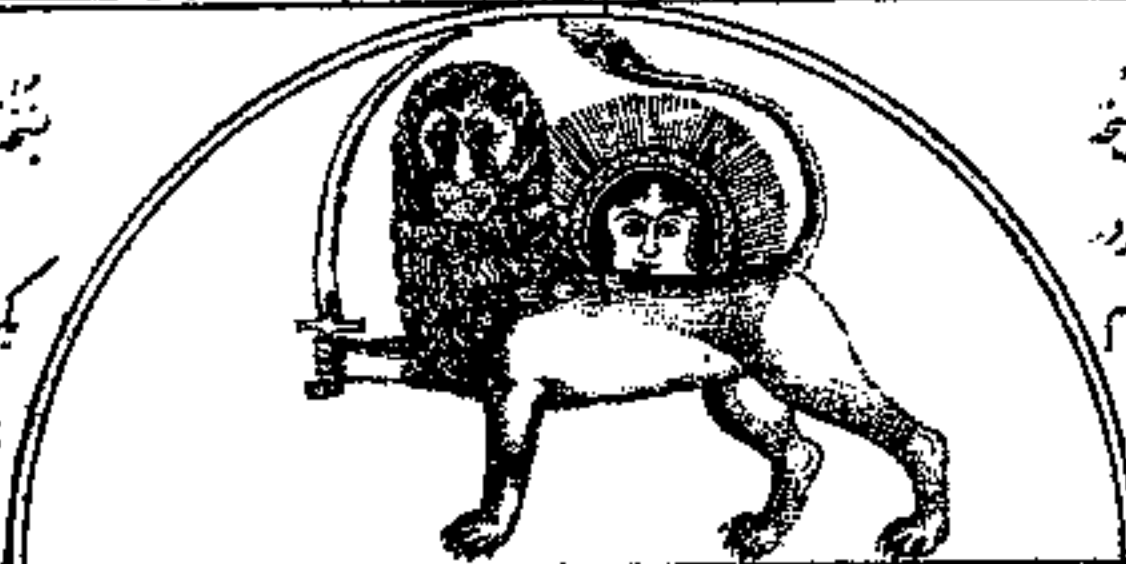
کتابهای نیکه در دولت علیه ایران چاپ زده شد و قیمت آنها  
در بعضی از روزها مانده نوشته شد بجهت اعلان می شود که هر کس  
باشد و در روز حاجی عبدالحق استناد و ارباب طاعت طران که این  
در کارخانه او انقباع میگردان این قرار در خدمت میشود

- قرآن مجید اعلی دو تومان — ۱۵
- قرآن مجید وسط یک تومان — ۵
- قرآن مجید ارزان سه هزار — ۱۰۰۰
- کتاب شرح کبیر و جلد ششش تومان — ۱۰۰
- کتاب تفسیر صافی یک جلد دو تومان — ۱۰۰
- کتاب شرح لعه یک جلد سه تومان — ۱۰۰
- کتاب قوانین دو تومان — ۱۰۰
- کتاب شرح الزبارة سه تومان — ۱۰۰
- کتاب تصریح پانزده هزار — ۱۰۰۰
- کتاب قاموس سه تومان — ۱۰۰
- کتاب مجمع العجربین سه تومان — ۱۰۰
- کتاب شانزده فردوسی پنج تومان — ۱۰۰
- کتاب معراج السعاده پانزده هزار — ۱۰۰۰
- کتاب زبده المعارف بیست و چهار — ۱۰۰
- کتاب منتخبه الزبارة یک تومان — ۱۰۰
- کتاب جامع التمشیل چهار — ۱۰۰

در بعضی مالک روی زمین اهل آنجا در علم زراعت بسیار ترقی کرده  
و چیزهای تازه اختراع کرده اند و بسیار در زبده شده اند خصوص  
در مملکت منسه و انگلیس و سینکی و بنای شمالی و فرانسه درین روزها در  
شالی و بنای شمالی اسبابی اختراع کرده اند بجهت در و کندم و جو غیره  
و این را درین روزها بولایت انگلیس آورده اند چیزی ساخته اند  
و اسس بسیار بزرگ که بجهت بخار حرکت میدهند و در یک روز کما بجهت  
آدم از او دیده میشود و چونکه در پیش این داس دست نشود  
که کندم را دست بکند چرخ ساخته اند که روی کندم می چرخد و کندم  
بست داس دست میکند چرخ قسم اسباب بجهت در و ساخته اند  
و گویا این از همه بهتر باشد و در وقت که کار اهل انگلیس بخورد  
و چونکه هوای انگلیس و ایم الاوقات مختلف است و در اکثر اوقات  
در فصل بهار و چنان باران می آید که حاصل را خراب بنماید باید  
که این اسباب بسیار کارشان بخورد و اسباب بجهت در و هر طریقی  
دیگر ساخته اند اما بخوبی این اسباب نیست تبرکب متراض بزرگ چیزی  
ساخته اند که آنهم بجهت بخار حرکت میکند و جو با کندم را جان در روی

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه ششم شهریور سنه ۱۲۶۷ مطابق سال تنگبرسنیل ۱۲۶۷

نزد سی و پنجم  
هر کس در طهران طالب نشد  
ازین روز نامها باشد در  
بازار در دکان میر سید کاظم  
بود فروش فروخته شود



قیمت روزنامه  
بنام پادشاهی سالیانه است چهار  
قیمت اعلانات  
یک خط چهار خطی یک کلمه  
بیشتر باشد سطر بیست

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

قراریکه در باب ورود مرکب فیروزی کوکب اعلیحضرت پادشاهی  
گذاشته اند این است که روز پنجم وارد چمن کهریزک میشود  
روز جمعه پشاهزاده عبدالعظیم می آیند و روز شنبه ششم  
تشریف فرما میشوند جمیع قو قاضی دارالخلافه و اشراف آوردن  
حضرت آقدس عالیجناب در کمال ایضا و نهایت خورسندی  
و شادمانی میباشند و قراریکه در باب استقبال گذاشته  
این است که از جمله علماء و سادات و مجتهدین صدر فاضل و کلاه  
دار حاجیه و اعظم و معارف دارالخلافه سید نصر آباد و روی کا  
بنات و از اصناف و تجار سید نفوس و پوچی و سرار کلاه با  
لباس نظام و مقراب سخاقتان بکلر سکی و عالیجاه کلاه که خدایا  
محلات به استقبال بروند و پهلوانان برهنه با بیل که در آن  
دیو در و کبر موافق دستور العمل خودشان هر یک با تورات  
و انجیل و لباس فاخر به پیشواز بروند و صدر ریس که سفردود  
زوج کا و قربانی قدم میمنت لردم حضرت آقدس عالیجناب  
و گشت آنها را در میان ظل قلمت کنند و هزار و دوست عدد  
شیشبات و سید عدد کا سم و دوری بنات در کمال

در پیش پای اسب بشکنند و آنچه از شادمانی و استقبال است  
بجمل میآورند و فی الحقیقه عیشی ازین خوبرو برای اهل دارالخلافه  
که صغیر و کبیر و برنا و پیر از ورود مرکب عابون کمال شربت و لذتی  
چنانکه در روزنامه سابق نوشته شده است نمای دولت در اول  
قرار داده اند که در هر ماهی ده شبانه روز آب جاری بکل شهر  
و در اکثر ایام گرمای تابستان انضا فابهن قرار آب است اما در  
آخر تابستان بجهت شدت گرمای بعضی از چشمه ها خشکیده و آب نکل  
اطراف طهران کم شده بود و بجهت زیادتی زراعت آنچه آب بود  
در بیرون شهر مصرف میشد و شهر نمی آمد و حال آنکه اول پاییز  
وقت کاشت حاصل شتریت با ز آب در بیرون شهر زیاد  
میشود با وصف این درین نوبه قرار داده اند که پنج شبانه روز آبی  
از چهار شتر کلوی شهر داخل شده بکل محلات و خانه های شهر  
آنچه با شیرین روزی معلوم شده همین است که در باب آب در بیرون  
شهر با اهل شهر ظلم و بی حسابی میکنند و چون زراعت زیاد میکنند  
که حق اهل شهر است صیغی باغات و غیره صرف نمی نمایند و با آنکه  
انمای دولت این قرار گذاشته اند که ماهی ده شبانه روز آب

بشهر بریدند ز عایای اطراف بر ضامندی خود این آب را ایند شد  
و آنچه بنیستو آمدن سی و کوشش میکنند که خا به شهر نرسد و بنابرین  
امنای دولت علی درین باب قرار درستی خواست که است

در روز شنبه جناب جلالت ناسامی افندی سفر کبر و دولت علی  
همانند بیدن داشت بر او بهرام بر زرفه و از آنجا بدین شهر  
بودان باقی فرستد در روز دوشنبه سیوم نهم بر حیف است  
از دارا خلفا طهران بیرون رفتند

قزاقان خانهای دارا خلفا مبارکه بعضی جایها نامای داشته درین وقت  
سی و شش باب قزاقان خانه در شهر و یک باب در ارک با تمام رسیده و  
قزاقانها مشغول محافظت میباشند و از آنوقت که امنای دولت  
علیه قرار داد خانه و قزاقان درین شهر که داشته اند نظرم شهرت  
به سابق بسیار شده و کمر زدی و عیابی در میان مردم میشود  
خاصه درین وقت که موکب بسیارین بسیار است حاجت آنرا  
حکمت فرمودند فرج عرفانی در قزاقانها کمال محاربت محافظت  
نموده اند و عالچاه هیکان بر سر تک فرج بزور اغلب شهباد و زرا خود  
رسیدگی بقزاقانها و قزاقانها نموده

امسال شبانی در دارا خلفا طهران بقدری شده است که در هیچ  
سالی اینقدر شبانی نشده بوده عمارت پادشاهی در شهر و بیرون  
ابواب جمع مقرب انجان حاجی علیجان نر اشباشی است بنا و عله بسیار  
در کارند و اغلب طیاره کمال خوبی و امتیاز شبانی و تعمیر کرده اند  
بازاره کار و انزرای انابکی ابوالجمع عالچاه افاجدی ملک التجار است  
در آنجا نیز بنا و بخار و بخار بسیار مشغول اند و بناهای صفا و استحکام  
اکثر انجا را ساخته بازار بطرف ارک فریب الام است و بعضی  
آن اصناف شسته اند و چند طاق که باقی مانده درین روزها در

بازار بصیرت دره از ده جدید مجتهد به نام درین روزها شروع کرد  
و آنوقت دخی که از دروازه تر بود تا میدان جلو ارک به رسم متصل کرد  
بازاری خواهد بود که تا این ایام بن صفا و استحکام بازار در هیچ یک  
از شهرهای ایران ساخته نشده با وجود درپای تخت است که  
از آنکه بسیار وسیع و مستحکم ساخته میشود و بجهت خود و در وقت که بس  
کثرت تجار و اصناف در او بهم میرسد بر آنست بهتر از بعضی بازارهای  
اصفهان و شیراز که مشهور خواهد

کریم نام مانی و یک نفر هراتی را که زدی کرده بودند و عالچاه هیکان  
که خدای تعالی سنج انهارا گرفته و به بازار حبس سپرده بود و حکم  
در دربار طاق نظام هر دو را تا زمانه زده و مرخص کردند  
هشم نام تقال که بسبب شراکت گرفته شد بود و چون جوده خرمن شده  
کا کا سیاهی در بازار شراکت میکرد قزاقانهای قزاقان خانه سرگذر  
فاطر چپا اورا گرفته معلوم شد که شرب نموده و انرستی شراکت میکند  
تا زمانه مضبوطی زده و مرخص کردند

شخصی زوجه خود را در طهران گذاشته و خودش بجهت می ازین شهر  
رفته بود بعد از چهار سال درین اوقات مراجعت که ده جوایز و خیز  
خود شده بعد از شخص بسیار معلوم شد که نشانی شهر زده و دو  
اولاد هم بهم رسانده است و چون شوهر ثانی او در شهر نبود لهذا  
عالچاه محسن و خان کلانتر زن فرموده را بجای امینی سپرده تا هر دو  
حاضر شده و آنچه حکم است مطاع معمول دارند  
در پشت بام حمام هیکان سوخت و کان نانوائی بسیار نیک بود و کلان  
حمام نخلت نموده آتش به سوخت بر افشاره خاموش کرده بود اما  
درست خاموش نشده بوده هیچ مجذباتش که قابل کز و غله تمام  
جمع شده آتش را خاموش کردند و آتشی سجد او کسی نرسید و از  
خیابان الزام گرفته شد که بعد ازین سوخت در بام حمام و بازار انبار کنند

بازار



سایر ولایات

از قراریکه در مصلحت گذشته در روزنامه تبریز نوشته بودید در این  
پسری چندی سالی شب در سرخرمن خوابیده بوده ماری بدین اوست  
خواستند است که حسیده پیردن بکشند ماز در آورده و در  
شکم او شده پیر و مادرش او را چه تبر آورده معجم تبر که جناب  
مام صاحب الزمان علیه و علی آباء الف الطیبین استم از آنده میرزا  
علیسنی طبعی و تجردی او را معالج کرده خوب شده و برود شده بر جا  
برده اند از اینکه خالی از زهر نیست لذت بسیارترین روزنامه نوشته شد

والله اعلم علی الزاد

دستم چنین نوشته بودید که در یکی از دولت قزاق داغ تبر خیزی  
در باغی خوابیده بوده استاری به کلوی او میرود و در اندرون او  
حرکت میکند و خرد پار میشود و معلوم میگردد که مار کلویش قته  
از آب تنباکوی قزاق داغ که کوراه علی مشهور است و پارتند و نیز  
یک سیال میدهند بخوردنی الفور مار از دهنش میرون فی آید و سحر  
اوست با و زسانده است در ولایت ایلیان اسم میکنند که گاه  
مار شکم آدمی که خوابیده است میرود و در جای ایلیان می خورد  
که آن شخص را به سر می آویزند و کاسه شیری در مقابل دهن او برین  
میگذاردند و میگویند که مار بهوای شیر از دهن آن شخص می آید و بخورد

عالمجاه قهر علیخان که در تبریز نامتوب است استاده است که  
قراریکه نوشته اند آنجا را با کمال نظم و خوبی نگاه داشته است  
و مردم آنجا در کمال فاع و آسودگی در ماهندی از او میپسندند  
در روزنامه خوبی نوشته اند که آقا جبار نام تاجر سلماسی که در ولایت  
دوم تردد و معاملات داشته و او را دیده و ذکر کرده است که در دیبا

چند پارچه اسبابات از صنایع مالک محمد ساریانی بنظم آمد جیاستند  
که اصل این اسبابها از گجا بوده معلوم شد که از محتاج ایرانی در آنجا  
گذاشت را بجا کم و بیار بگرانطها رفودم اتمام کرده بقدر شصت  
از اجناس مزبوره بدست آوردن و او در قعر گرفت که بصاسیر  
و حال آن اسبابها در زردمن موجود است و از قراریکه در روزنامه  
نوشته اند که اسبابها از محتاج صنحات عراقی باشد که در آن  
سال که والده کور شاه شاه بهشت از آنجا به بیارتت است  
مصرف شده و از راه دیبا بگرانطها رفودم بوده اند در آنجا  
گروه اند و این اسبابها در سلماس در زرد اما جبار تاجر موجود است  
هرگاه صاحب مال بداند و شانی درست به خود یا دیگران  
بآنجای رود مشارالیه اسباب مزبوره را تسلیم خواهد نمود

امورات قشون

مغرب آنخان ابو دان پاشی که مسرا به صاحب منصبان حضرت  
حضرت و تبعید اپر تلور دولت بهینه روس با برودان در فقه بودند  
از دولت بهینه از اینقران شان با آنها داده شده و این اتقا

۱۷۹

مغرب آنخان ابو دان پاشی که مسرا به صاحب منصبان حضرت  
عالمجاه محمد احمد بیرونک  
شان مستاستان سالیان سحر و طبع و طوس نظام  
از مرتبه از آنجا میرودند که در زمانشان باریترت  
عالمجاه حکیم کاره از آنجا عالمجاه غلام قاسم و در غرض  
تن از مرتبه خرم به از آن سال از مرتبه خرم

حکم او بران کردن نشانهای مزبوره آمده امروز دو ساعت از روز رفت  
ببارکی پیر بر بودوش خود خوانند  
پانصد نفر سواره و هزار نفر پیاده که ضمد و امروز روانه فراسان  
بسیار که در بی امیرخان  
افواج سلماسی در امغانی بر سر مسرا عالمجاه پاشایان مرتضی  
انور خراسان

سایر افواج متوقف در آنجا و در روز پنج وعده مشغول مشغول میباشند

### اخبار دول خارجه

**انگلیس** در تاریخ یازدهم ماه سوال که وسط فصل تابستان موافق قاعده ولایت انگلیس که درین فصل تابستان اکثر اوقات اهل مشورت خانین و کورای رعایا مقرر میشوند که هر یک لابلین خود برودند پادشاه از عمارتی که از شهر دور بود مشورتخانه آمده تخت نشستند و مشورتخانه را مقرر کردند و میگویند که پادشاه بنا دارند که بعد از آنکه تخت ولایت را بنهالند برودند

حاکم شهر لندن و چند نفر اعیان آنجا درین روزها همان اهل پای تخت فرانسه شده اند و در ده ساعت با کالسکه کشتی بخارا از لندن پاریس که قریب به عقاد فرنج مسافت است رفته اند حال شهر لندن که در کثرت میمانند و ایم الاوقات از اعیان تجار با ازم اعیان اصناف است که در میان خودشان سخن میکنند و هیچ از خود نمی شود مشورتخانه دارد که آنها نیز از تجار و اصناف شهر لندن هستند و نظم امور است پای تخت با حاکم مزبور است در ولایت فرانسه محبت و احترام زیاد با حاکم مزبور کرده اند قشون زیاد میروند آورده و مشورتخانه مخلوب کرده اند بعضی از اهل انگلیس هستند برده اند که اهل پای تخت فرانسه با حاکم مزبور اینقدر عزت و حرمت کرده اند میگویند که قابل این حرمت نبود زیرا که از جمله اصناف است لکن در خود شهر لندن در ایام حکومتش بسیار متشخص است و گذشته از آنکه تسلط تمام در شهر دارد و کفوح صبر بار و کفوح دسوار قشون دارد و سالی یک دفعه و کای سالی دو دفعه پادشاه انگلیس همان حاکم مزبور میشود و ایلیان دول خارجه در ایم الاوقات همان اومی باشند البته کسیکه پادشاه و ایلیان دول خارجه همان او بشوند شایسته و قابل هر گونه عزت و حرمت از دول خارجه است

### فرانس

بعضی از نویسندگان فرانسه را که بداندیش و خیال بودند درین روزها

گرفته اند و در شهر لیون تحقیق فساد اخبار را می کنند بعد از آنکه تقصیرشان نمائیت شود موافق تقصیرشان مجازات خواهند کرد

در فصل بهار سال آینده موافق قاعده جمهوری که در این ولایت دارند ریاست لوی ناپلیان تمام میشود و تا مجال کسیکه بجای او برقرار باشد معلوم نیست آیا خود لوی ناپلیان دوباره ریاست انجا برقرار باشد یا دیگری و در این روزها ما خواننده اند که پرسش و ژورنالی که یکی از پسرهای لوی فیلیپ و شاه سابق فرانسه ادعای ریاست این مملکت می کند و لکن بعضی از اشخاص که خبر خاد او بودند نوشته اند که این حرفها اصلی نداشته چونکه پسر برادر بزرگ این شاه بوده موافق قاعده ارثی داشت تاج و تخت لوی فیلیپ است اگر پرسش و ژورنالی ادعای ریاست این مملکت را بکنند آنرا این است که عدوت و دشمنی پسر برادر بزرگش که ادعای سلطنت این ولایت دارد کرده باشد

دوگ دو مال سپرد لوی فیلیپ درین روزها بفرم سیاحت بحوزه مالت و سیبر

### جبل الشاریج رفته بود

در آن او چیکه که سابقا سفیر کبیر از جانب دولت جمهوری فرانسه میسر است

درین روزها بفرم سیاحت نزد پای تخت فرانسه که بسیار میمانند با کفوح

### دی محل امور خود روانه شدن است سایر ممالک فرنگستان

تاریخ کاغذ آخر که از فرانسه رسید ۲۱ شوال بود و از لندن ۲۰ و از سایر شهرها فرنگستان نیز همین تاریخها ممالک آن سستی آرام بود و خبری نبود که قابل نوشتن باشد مگر اینکه در شمال مملکت ایلیان بعد از گرمای تابستان که اسال در اغلب جاهای ردی زمین شدند و اشته طوفان در عدد و برق بسیار آتش بوده و در رودخانه های انجا سیس آمده است و در بعضی جاها خرابی

ز یاد کرده بود در ستمت جنوب فرنگستان در روی تاک کوه  
 زده و پرورده نموده که هم برکش خنیکه و هم کورس که در ستمت  
 و چون مثل این است کلاً عمل آردن انکو است کان در ستمت  
 بعضی رعایای آنجا بسیار بکند  
 احوالات متفرقه

بعد از آنکه دولت انگلیس سیاهی جزایر هند العربی را که جزایر  
 خط استوا می نامند آزاد کرده بود و صاحبان املاک جزایر مذکور  
 اینکه کسی ندانست که زمین در زراعت نابد ضرر زیاد خورد  
 را زمین این جزیره کلاً غلام و کثیر سیاه بود و بعد از آنکه آزاد  
 از راه تبلیغ کار کردند و زمین بایر دبی زراعت ماند درین سالها  
 چند هزار نفر از اهل هند با تجارت مشغول شدند و زراعت در آن  
 جزایر شده اند بعضی از آنها درین روزها نسبت مند از راه دولت  
 انگلیس گشته اند و بسیار صاحب چیز شده اند حتی بیکویند  
 بعضی تا دولت تومان پول ایران سمره خود بندوستان  
 هوای جزیره مزبور چون نزدیک بر خط استوا واقع است  
 گرم است که اهل فرنگستان نمیتوانند در آنجا کار کنند حال از  
 هند و چین و سایر ولایات آن است با آنجا میروند و چون  
 اصل وطن این اشخاص گرم است این جنب طاقت هوای گرم آنجا را  
 دارند

در محک سپاه بنول در حضور دالده پادشاه و خواجین ملین  
 حیوانات جنگی آورده و جنگ انداخته اند اول گرگی آورده و  
 چند سگ با او جنگ انداختند سگها جان غالب شدند که گرگ  
 نزدیک بود بکشد بعد از آن گرگ را بیرون کشیدند و یک گوسفند  
 آورده و چهار سگ با او جنگ انداختند بعد از آن یک خرس  
 میدان آورده و سیزده سگ با او جنگ انداختند سگها و خرس

ز یک فستق خرس کی را به نعل که فقه جان فشار داد که ستمت  
 خورد کردید و سگها نتوانستند خرس کاری بکنند و در  
 یک کاد نزدیک پرورد میدان آورده و با شیر جنگند  
 شیر تا کاد را دید بروی او حستند کاد با شام خورد تا دم کاد  
 بهین شیر آید جاوید که دم کاد جدا شده و در زمین شیر ماند  
 کاد از دهن شیر خلاص شد بر گشته روی شیر حله آورد و جان  
 شام زد که نزدیک بود شیر گشته بود شیر بانان آید  
 پرون کشید تا قریب به لکت بود و لا با گشتند

در یکی از روزها همای انگلیس که تیر میسنا مذ نوشته اند که در  
 شهر اصمیر بعضی از زردان آن اطراف فونول دولت مالند را  
 که در باغی نزدیک شهر با چند نفر اطفال خود گت سگها نگاه  
 آید گرفتند و بکوه بردند با اطفالش و تا پنجاه هزار فردش که  
 بکوه از تومان پول ایران میشود از متعلقان او گرفتند او را هر  
 ندادند بعد از آنکه سخواه بزدان رسب او را با اطفالش را کرد  
 و بشرد

در فرنگستان چونکه حال مردم به کالکسک بخارین می کنند  
 از بسکه تندر دست کاه کاه کالکسک بیکد که خورد بکشد  
 و مروی که در آنجا نشسته اند گشته و زنده میگردند درین روز  
 شخصی تاجور در ولایت نخلین از جرس خوردن کالکسکهای مزبور  
 گشته شده است زن این شخص صاحبان راه آهن و کالکسک را  
 بعدالت خایه کشیده است و ادعای هست نزد تومان عیون  
 خون شوهرش را کرده است بعد از تحقیق زیاد چونکه فستق زد  
 معلوم شد که بر خوردن کالکسک از سهل بخاری و غفلت  
 عملیات صاحبان کالکسک بوده اهل عدالت خانه حکم کردند

کشت هزار تومان بر زن مرزوره چسبند و زن مرزوره هشت هزار  
 تومان از آنها بجهت خرج خود و اطعالتش گرفت گویا اکثر اهل انگلیس  
 ازین حکم خوشحال اند چونکه اهل کالسکهای مرزور بسیار غفلت  
 سهول انگاری میکردند و گامگاه نیر کالسکها را چنان تند میراندند  
 که نگاهش ممکن نبود و مردم کشته و زخمی میشدند  
 حال که این حکم شد ایستادند که وقت نماز

پروین یا بعضی میگویند که این ناخوشی جزئی مناسبت نیست  
 حست داشت و چون حست را ناخوشی سرگی میدانند  
 مکان بکنند که از مغرب زمین نشر کرده باشد چون که یک  
 که بار اولش بود از آن ولایت آمده بود و موافق خبر آخر که از  
 آن ولایت آمده بود قدری ناخوشی مرزور تحریف یافته بوده است

در باب گرفتن آفتاب در یکی از روزهای پرستیده زشته  
 که موافق حساب منجم در آنجا کل قرص آفتاب گرفت شد اما چنان  
 تاریک نشد که نتواند کتاب بخواند بعضی از کواکب بزرگ پدید  
 از جمله عطارد و زهره و مشتری بعضی از زخمهای آسمانی خود رو  
 بودند مانند اینکه آفتاب غروب کرده باشد و میخوابیدند لکن  
 در حیوانات چندان خوف واضطرار نبودند و گرفتاریها  
 اینقدر تاثیر کرده بود اما عوام بسیار ترسیده بودند و در بیان  
 آنها بهم رسیده بود

مدتیست که ما بین امپراطور مملکت برزیل که یکی از مالکین کی دبیای  
 جنوبی میباشد و دولت جمهوری لهستان جنگ اتفاق افتاده  
 و از طرفین بسیار کشته و زخمی گردیده و ضرر زیاد دیده اند  
 چونکه اهل انگلیس و فرانس در آن قسمت تجارت زیاد دارند  
 و همین مرزور وساطت و میانجی گری میکنند که بلا صلح در میان  
 آن دو دولت بگذرد اما بحال نتوانسته اند و با زمان طوریست

در میان است  
 اعلانات

از همین نوشته بودند که یکی از اهل آنجا از پادشاه باغی شده  
 بود و جمعیت زیاد در در او جمع شده بودند و ادعای سلطنت  
 و پول سرامیک زده بود و صورت خودش را در روی آن  
 پول نقش کرده بود اما کمان نه اشده که کارشش پیش رود

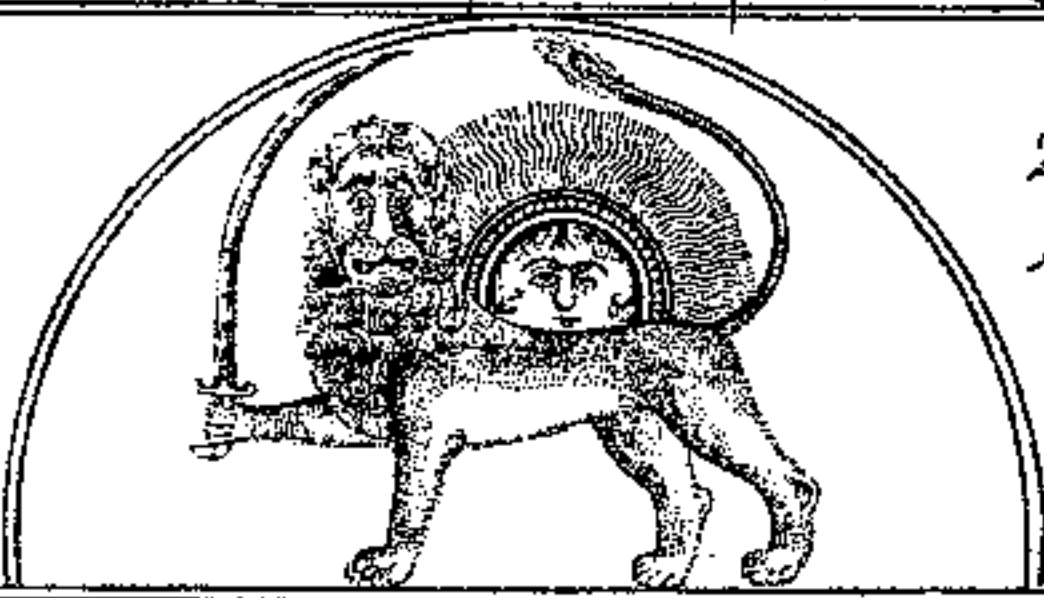
بعضی از کتا ببا که در دولت علیه ایران چاپ شده و در روزنامه ها  
 سابق نوشته شده مجدداً نوشته شده و کس خریدار باشد در  
 طهران در نزد حاجی عبدالحمید استاد دارالطباه از بیع قرار فرود خواهد

۱۰	کتاب تاریخ پندر	۱۰ تومان
۱۰	کتاب صمدیه کبری	پنج هزار دینار
۱۰	کتاب سیرت علی	پنج هزار دینار
۱۰	کتاب تذکره الاثنه	یک تومان
۱۰	کتاب انوار	یک تومان
۱۰	کتاب کلیات	هشت هزار دینار
۱۰	کتاب نجوم الهدایه	هشت هزار دینار
۱۰	کتاب سحر	هشت هزار دینار

در جزایر کناری که در بحر محیط اطلنتیک واقع اند ناخوشی در باشد  
 داشته و چنان مملکت شده بود که در بعضی جاها آنچه آدم بود  
 از آن ناخوشی مرده بودند در یکی از قصه های آنجا چهار نفر حکم بود  
 سه نفر آنها فوت شده بودند و میگفتند که این ناخوشی مانند  
 و با نای متعاشی نبود بلکه از آنها بدتر بود و بدن و با اینها بعد از آن  
 که کت بود از خانهای کبود چشمهاشان کم مانده بود که از حد

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ پوچم شنبه سیر و هم شمس زینحی احرام سلطان سال تکویر سنه ۱۲۶۷

قیمت روزنامه  
نسخه پادشاهی سالیانه  
قیمت اعلانات  
در کسب و کارها  
بیشتر است مطری پخش



نسخه سیر و هم  
بر کس در طهران طالب نشد  
ازین روزنامهها باشد  
بازار دروگان میرسد گام  
بلور فروش فروخته شود

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت پادشاهی در روز شنبه ششم این ماه بغیر وزندی اقبال  
از شاهزاده عبدالعظیم دارالخلافه مبارکه طهران وارد شدند و ای  
دارالخلافه مبارکه و نظام توپچی و سر بازار و غیره که در خیابان مرکب  
مانند جسم بی جان یا تشنه تشنه باران بودند از وضع و  
و صغیر و کبیر و برنا و پیر چنانچه در معینه گذشته نوشته شده  
شفاقه غبار مرکب منصور را توپیا اسرار و شمشیر بخشیده  
وزیب تارک معافیت خود کرده تقدیم مراسم بندگی و قربانیا  
نمودند و نظام نصرت فرجام که صف کشیده بودند در کمال شگوه  
داراستکی بنظر آمدند و شیلک نوچانه و زینور کخانه بقاعده معقره  
این دولت علیه در اول حرکت و میان منزل اتومبیل نمودند و سایر  
اعالی و اعیان و اشراف و کلا تر که خدایان و بچار کسند و غیره  
هر دسته و هر قسمی بجای صف کشیده لوازم استقبال را مهی  
و چهار ساعت از روز گذشته مرکب بایون از دروازه شاهزاده  
عبدالعظیم وارد گردیدند و از راه بازار کهنه عمارت ارک پادشاهی  
آوردند و جناب جلالت آبی همچی مخصوص و وزیر مختار دولت  
انگلیس با صاحب منصبان سفارتخانه دولت بید در روز و در حضرت

کابون به پیشوا از رفته شرفیاب شدند و جناب جلالت آبی  
وزیر مختار دولت بید روس نیز در روز ششم پشاهزاده عبدالعظیم  
مرکب خیر دزی کوکب را استقبال نموده شرفیاب شدند  
و صلحت گذارد دولت علیه عثمانیه نیز در روز و در مرکب بایون به  
پشاهزاده شفاقه شرفیاب گردید و فی الحقیقه درین معینه سجد اهل  
دارالخلافه طهران و وعید که ما پشاهدانی بود روی داد یکی در  
روز ششم که روز مراجعت حضرت اقدس بایون از سفر خیریت اثر  
و ورود بدار الخلافه مبارکه بود که همان روز و در سلام فرمودند  
و تحت مرید و انخانه مبارکه بود و سایر کزین بخش و زینت افزا  
شدند و امشای دولت و اعیان حضرت هر یک بجای خود شرفیاب  
گردیدند و شیلک نوچانه و غیره نمودند و یکی هم روز ششم  
که روز عید قربان بود بعد از اداء ای صلوٰه عید و هیچ قربانی تقابل  
که درین دولت علیه متداول است بایان است اعلیحضرت پادشاهی  
به سلام نشستند و اولیای دولت و چاکران حضرت مبار  
کابون که کعبه آمال ایشان است باریاب و هر یک بجای خود از  
شرفیاب حضور موزالسره و مورد عنایت خستدانی گردید  
و در میدان ارک که مطاف خاص امام است شیلک عید قربانی نمودند

چونکه آنکه اعلی حضرت پادشاهی صرف بر این است که سبب  
 آمدگی و استرات و تسهیل امور که در بعضی دولتهای فرنگستان  
 عمل است در دولت علی ایران نیز شروع یا بد از جمله کالک  
 سوار است که پیش ازین قرار بود که کسی شش باشد درین  
 سفر فرزند که هر کس تواند کالک بر آید از دو سوار شود ازینجا  
 دولت علی و اعیان رعایا در سفر یا در موکتابین با ذوق است  
 و درین خصوص اذن عمومی دادند و این کالکها در کارخانه ابوالفتح  
 مقرب انجانان مختار الممالک ساخته میشود و سه عراده کالک درین  
 گذشته در اصفهان حسب الامر اقدس مایون ساخته شده  
 و بسیار خوب ساخته اند بلکه مقابل بعضی کالکهای خوب که  
 در ممالک فرنگستان میسازند

اعلی حضرت پادشاهی در روز شنبه شریف فرمای عمارت  
 قصر جا که درین سال تمیر شده و عمارت جدید و روان که  
 تازه ساخته کرده اند

در روز جمعه هفده گذشته جناب جلالت آقا ابوالفتح مخصوص در  
 مختار دولت بینه انجلس از قریه ولایت شیران بدار انخلاف طهران  
 آمده و در عمارت شیرین خود قرار گرفتند

هفتم چنین در روز شنبه جناب جلالت آقا وزیر مختار  
 دولت بینه روس از عمارت خود که در قریه زرگنده شیران  
 بدار انخلاف طهران آمدند و در سفر انخانه که در ارک پادشاهی پیا  
 قرار گرفتند

در شب پنجشنبه هفده گذشته جناب جلالت آقا وزیر مختار دولت  
 بینه روس در قریه زرگنده شیران در عمارت خود مهمانی با اعیان  
 و اراستگی تمام کردند و اسباب آتش بازی و سایر لوازم آتش  
 ضیافت که رسم ایشان است فرادان بود و جناب جلالت آقا

ابوالفتح مخصوص و وزیر مختار دولت بینه انجلس با صاحب منصبان  
 سفارتخانه در آن ضیافت بودند و این ضیافت بجهت مولود و دختر  
 جناب سغزی الیه بود

نواب مصطفی قلی میرزا را که سابقا حاکم اردو می آذربایجان بود  
 بحکومت دارالمرزما نذران مأمور و خلف حکومت رحمت  
 نمودند و در این روزها روانه خواهند

جناب صدارت آقا میرزا محمد حسین صدر دیوانخانه مبارکه را  
 که ابوالفتحی کرمی مخصوص بجهت اتحاد فیما بین دولت علی ایران و  
 دولت بینه روس برسم سفارت مأمور خدمت اعلی حضرت  
 اعظم کل ممالک روس فرموده اند چند روز است که با کربان  
 نقل مکان نموده و در روز چهارم اینها با اتفاق صاحب  
 سفارتخانه روانه مقصد خواهند کرد و صاحب منصبان که همراه ایشان  
 عالیجاه محمد خان نایب اول مقرب انجانان اجدان باشی  
 بنیابت اول سفارتخانه

عالیجاه یحیی خان با و مأمور مترجمی سفارت خانه  
 عالیجاه میرزا بزرگ مأمور پیشی کرمی سفارت خانه  
 امورات قسولی

فوج قره اکر لوی همدان ابوالفتح عالیجاه علی خان سرتیپ که در  
 در کرمان بودند مأمور کربسیرت فارس شده اند

فوج خدابنده لوی ابوالفتح عالیجاه جعفر قلیخان سرتیپ که در  
 کرمان

درین روزها سه فوج از افواج قاهره آذربایجان را بدار انخلاف  
 خواسته اند که آمده مسئول شش و قر اول باشند فوج خاصه  
 ابوالفتح عالیجاه محمد علیخان جوان شیر سرتیپ فوج خلخال ابوالفتح  
 عالیجاه محمد علیخان جوان شیر سرتیپ فوج جدید مراغه ابوالفتح عالیجاه

سازمان



حسین پاشا خان میرنجه

فوج کلهر ابو ایچمع عالیچاه محمد حسن خان سرنگ چونکه مدتی بود که در وزارت مشغول شد و فرادول بودند در این اوقات مرخص شد

عالیچاه حاجی میرزا علیخان خونی درین روز نامتصب سرنگی سرافراز گردیده که در دیوانخانه مبارک نشسته به امرات قشون رسیدگی نماید

سایر ولایات

از فراریکه در روزنامه که مائشان نوشته اند یک نفر زوردار در پیرون در وزارت طرف عسکرات عالیات که بسر قراقا بوده است دزد اموال او را برده و حقیقه در میان اسپایش بود که چند دمار در میان آن بوده درین راه دزد در حبه راهی که بپند در میان آن چیت ناکاه یکی از آن مارا بدست دزد زد و بحالت طاقت دزد خود را بشهر رساند و در میان خورچین آن روز اهرم که دزد برده بوده قدری سیخ اسب بوده و پنجه خورچین پاره کرده از سر قراقا تا بنجانه سارق دانه دانه پنجه از خورچین بزین ریخته صبح صاحب مال رو میخمار گرفته تا بدرخانه دزد رسید در میزند زنی بیرون می آید و میگوید چه پنجه ای صاحب مال میگوید اموال مرا دزدیده اند و دزد باین خانه آمده است زن میگوید که درین خانه دزد نیست شوهر مرا چند روز است که مارزد و خواهد است صاحب مال میگوید که دزد اسباب من همان شوهرت و ماراز من بوده که او را زده است و بنجانه من بود و آنچه اسباب او بوده بهیمنها پس بگیرد

از فراریکه در روزنامه کیسان نوشته بودند در درخت چشبه چهار دسم ذیقعه دو ساعت بزوب مانده در ازانی خانه

میرزا مختار اجدوان توپخانه مبارک که در پشت توپخانه بود آتش گرفته باشش خانه دیگر که در جنب او بوده سوخته بطوری که هر چه در آنها بوده سوخته و تلف گردیده است و در خانه چیان و توپچیان و لنگچیان ریخته و آتش را خاموش کرده اند و بجهت توپخانه

رسیده کسی تلف نشده چند نفر توپچی و توپخانه چیشان در روزی سوخته بوده اما خوب شده اند

در روزنامه اصفهان نوشته اند که شهر و بزرگ نهایت نظام دارد و عالیچاه چراغعلی خان نایب الحکومه با کمال خوش سلوکی در رعیت داری امورات آنجا را منظم داده و مالی و رعایای آنجا از حسن سلوک مشارالیه رضی و شاکرند و کتبی خان بختیاریرافز ستاده آورده اند و در خانه خود بطریق معان منزل داده است

در باب بستانی و تعمیرات عمارات اصفهان نوشته اند که بنام عمده زیاد در کارند و در وقت دست عمارت آنها بیکه می سازند و در ساختن جبهه خانه و تعمیر ملخا جو و غیره نیز بنا و علامت شول کارند و در نورد اصفهان دزدی نموده بوده اند بعد از ثبوت دستروا اموال هر دو بیست خود رسیده اند

از کرمان نوشته بودند که یک نفر سر باز از فوج عالیچاه علی خان سرتیپ در محله کینه پولی که بیت چهار تومان در بائش بوده پیدا کرده فردای آن روز که مردم در مسجد جمعه پنجه نماز جامع مسجد بوده اند سر باز منور آمده و در میان حشلق جار کشیده و گفته که هر که در دزدی گم کرده باشد بیاید نشانی بپوش داد و ریافت نماید صاحب نخواهد آید و نشانی داده و سر باز منور خواهد آورد بدن که تقاضای تسلیم نمود

۱۸۵

سید علی

### احوال مستقره

در اکثر ولایات که سیزده سال دوازده ماه و هفتاد و پنج روز است که  
 بیامانده یکصد سال هم دوام میکند اول خود رود در جنگهای سیزده  
 و سایر مالک که سیر حال بدست که در هند و چین و جزایر بحر الهند  
 و یکی دنیا کاشته اند حضوره در سبکی دنیای شمالی که مالایکی از  
 حاصلهای بزرگ آن ولایت پنبه است تخم این پنبه را می کارند در  
 سوراخهای کوچک و چند تخم در یکجا بکارند بعد از آنکه شتر شد  
 بعضی را می کنند و آنها که بیامانده میکنند از یک ذرع و نیم  
 بلند تر شوند سرشان را با کار و میزنند که شاخه بنا و یکسند سال  
 اول خوب بارید و سال دوم و سیم و چهارم بارش زیاد تر است تا  
 پنج سال بعد از پنج سال باز پنبه تازه بجای انهای کارند و بار  
 از پنبه که درین ولایت بکارند بسیار زیاد تر و پنبه اش زودتر  
 بهتر است درین روزنامه ستر است تا کین نام که یکی از کیش های  
 یکی دنیا و ساکن آرد می است ازین تخم و درخت پنبه سبکی دنیا  
 با آرد می آورده است و درین باب کاغذی به با شترین روزنامه  
 بتاریخ ۲۲ ذی القعدة نوشته است و چونکه چنین میدانند که کاشتن  
 این پنبه منفعت زیاد بدولت و ولایت و رعیت ایران بکنند خواه  
 کرده است که این مراتب بعضی انهای دولت علیه برسد و مضمون  
 کاغذی که نوشته است این است امسال سه طناب نین از پنبه  
 یکی دنیا کاشته ام و مردم از اطراف بهاشامی آیند کلاما ازین  
 پنبه می چسبند و بدات اطراف برده بدوستان خود بنامند جا  
 این پنبه درختش یک ذرع و نیم بلندی دارد و کل پنبه زیاد آورد  
 و در روزی دند یا چون پنبه و کل در یک بتا آورده ام امسال  
 پنبه متعارفی خود این ولایت خوب عمل نیامده است و این پنبه چنان  
 خوب شده است که مردم از تخم آن طالب شده اند و درین

که چند وقت بعد ازین کلاما ازین پنبه بکارند و چنین میدانم که برای  
 صاف و اقباب که م ولایت ایران این پنبه را خوب عمل سپاورد  
 مانده است که به نیم چگونه میرسد چونکه به و غده رسیدن این پنبه  
 شش هفته مانده است در جوف این کاغذ که فرستادم قدری ازین  
 پنبه که رسیده و شکفته بود فرستادم که تا شما نماند و اگر این  
 پنبه خوب سپا بار این سه طناب نین که کاشته ام مقابل بارده  
 طناب نین پنبه این ولایت بشود امید دارم که انهای دولت علیه  
 کوشش وسیع بر اسپند فرمایند و اگر لازم باشد بعد ازین باز از  
 این پنبه خواهم فرستاد و یا یکی از درختهای این پنبه بطهران بفرستم  
 که تا شما نماند در آن سست سبکی دنیای شمالی که پنبه بسیار  
 خوب عمل می آید آنجا است که نزدیک به بحر مچی است که آتش سوز  
 شده و میگویند که پنبه تا نسیم آید شور دریا با و بخورد خوب عمل می  
 از آنجمله ستر است تا کین امید دارد که اطراف دریای آرد می از  
 برای کاشتن این پنبه بسیار خوب باشد نمونه این پنبه الان در  
 نزد با شترین روزنامه است بسیار سفید و زودتر و بهتر از پنبه این  
 ولایت است بلکه مانند ابریشم سفید است و چونکه آوردن این پنبه  
 منفعت این دولت علیه دانست است باین تفصیل نوشته است  
 درین روزنامه شخصی دروینده پای تخت دولت استر به فوت شده است  
 و بعد از فوت او کاغذی این را که مردم ملاحظه کرده اند معلوم شده است که  
 از جمله اشخاصی بوده که بنای آرد و آن ولایت داشته حضور در آن سست  
 مملکت ایتالیا و چند نفر که اسامی آنها در میان آن کاغذ بود که هر چه میگویند  
 و در ولایت ایتالیا نظام خود را سخت تر کرده اند که منفعت این را قوه حرکت  
 افراد نباشد و همین که درین نوشته اند بسیار دانستگان کاغذی بود  
 که بکمال خدش من انشاس شود و چون در روزهای کالی که در آن مضمون  
 نوشته

از دولت جمهوری استثنائی نوشته بودند که رئیس این دولت  
 که بر تریبونت میمانند ولایات اطراف راکت و سیاحت کرده  
 و در دست هشتم شهر شعبان به شهر استیضاحی مراجعت نمودند  
 اشخاصی که میخواستند برود جزیره کو به از حیطه تصرف دولت  
 اسپانیول در آورند یا از دین خیال بودند و چون در آن ولایت  
 میان اهل خودشان جزئی اغتشاشی داشتند و در نمود که باز  
 درین روزها حمله بجزیره بزور سپا کردند و ما این دولت  
 و دولت جمهوری بسکی دنیای شمالی درین اوقات گفتگویی بود  
 در خصوص اینکه یک کشتی از اهل بسکی و یاران مستها بودند  
 و ستم مردم را بجزیره کو پیش کرده است یک کشتی جنگی بود  
 اسپانیول بدون اینکه اهل دولت بسکی دنیای شمالی را  
 اخبار نماید حمله بکشتی بزور آورده و گرفتارست و درین یک گفتگویی

لوی طلب پادشاه سابق فرانسه بنا داشت که با نجاییدین  
 پادشاه اسپانیول بیاید و چند وقت در آنجا توقف نموده بعد  
 به مملکت انگلیس اجبت نماید  
 درین روزها در ولایت فرانسه در چند جا اسب دوانی کرده اند  
 و بقاعده ولایت انگلیس که یک قسم است که در آنجا که باید اسبها  
 بدوانند از تحت مانند دیوار جانی بسیارند که اسبها باید از روی  
 بچند روز بشوند و زنی که از برای هر کسی میکنند با اسب  
 و درین حیلها و پانها کرده اموافق مستن خودشان باید باشند  
 که از اسبهای که سالشان پیشتر است باشد و این قسم  
 اسب دوانی تماشای زیاد دارد و چون بعضی ازین اسبها که  
 دیوار خیزی کنند می افتند و اسبی که درین قسم اسب دوانی پیش  
 بیاید با جسم خوب خیز کند و هم بیاید

از شهر سنت فرانسکو کلی فارینا نوشته بودند که بعد از آنکه شهر  
 بش گرفتند مردم بجهت و جهد تمام سعی بودند که خانهائی که سوخته  
 بود و بارها بارند با اینکه پیشتر از بجا از سوختن آنجا که نوشته بود  
 اگر خانهها را ساخته بودند و با سوختن تلف شدن مال تجارت  
 بسیار با قیمت مال تجارت و ترقی کرده بود و طلاسم موافق با  
 بلکه قدری نیز بیشتر درمی آوردند و بسیار جامای و بنا میخواستند

در ولایت فرانسه چون مانند ولایت انگلیس و اگر ولایات فرانسه  
 قانون آزادیست روزنامه زبان آنچه و نشان بخواهد در مدینه  
 می نویسند که چیزی که ضرر به دولت داشته باشد نباید بنویسند  
 اما درین روزها یعنی از روزنامه نویسان که طالب نشاء و در  
 دولت بودند زیاد از قانون خودشان بیرون رفته اند آنها  
 بعدالت خار کشیده اند و تقصیرشان را اثبات کرده اند بعضی  
 حبس و برخی را جریمه و تنبیه نموده اند موافق تقصیرشان

در مملکت ناز و به بعضی الواط آنجا پادشاه یا عیگری میگردند  
 حال آرام شده و نظم گرفته است و منول تخمین بوده اند که معین  
 بعد از آنکه تقصیرشان معلوم شد و اخوان تنبیه نمایند

یکی از جزایر خط استوا که جیطی عباسند در تدم در تصرف  
 بود و چند وقت پیش ازین سیاهای آنولایت که کلا غلام بودند  
 از اهل اسپانیول باغی شدند و تفرقت کردند دولت جدا گانه  
 میباشند اول دولت جمهوری بودند و بعد از آن میان خودشان  
 یکی از سیاهها را معین کردند و لقب امپراطوری در آنجا پادشاه

میکنند و لکن کارشان هیچ بطور خوبش نمیرود اگر چه بسیارها  
 بزور مدتی در میان فرکیها نشسته اند و تربیت یافته اند و زمانه آن  
 و بعضی از قانوشان مانند اهل فرکیهاست باز که با آن صفتی  
 از آنها صلب شده باشد پیش از آنکه این ولایت بدست آنها  
 بیفتد در ایامی که فرکیها در آن ولایت بر تسلط بودند جای حاصل  
 و آباد بود و جمیع آنها پنجاه هزار مرد میفید بودند که از اولاد اهل خراسان  
 بودند و نزدیک بیک کور در قلم دکنیر سیاه در ایام دولت خجیری  
 خزان که تخمیت شامشال پیش ازین بود فرانسها بسیارهای  
 آنها را تحریک کردند که از آقا یان خودشان یا غنی شوند بعد از جنگ  
 و خوزیری و بر عری زیاد بسیارها بیفید غالب آمدند و از آنوقت  
 دولت جدا گانه اند و در میان خودشان مدرسه و کتابخانه و غیره  
 بنا کرده اند و لکن روز بروز رو به تنزل و خراب شدن میباشند  
 و مواضع خیر آخر که درین روزها مینوشته اند معلوم بود که در میان  
 خودشان و ایام الاوقات جنگ و خوزیری دارند و حتی در بیرون  
 زیاد می نمایند

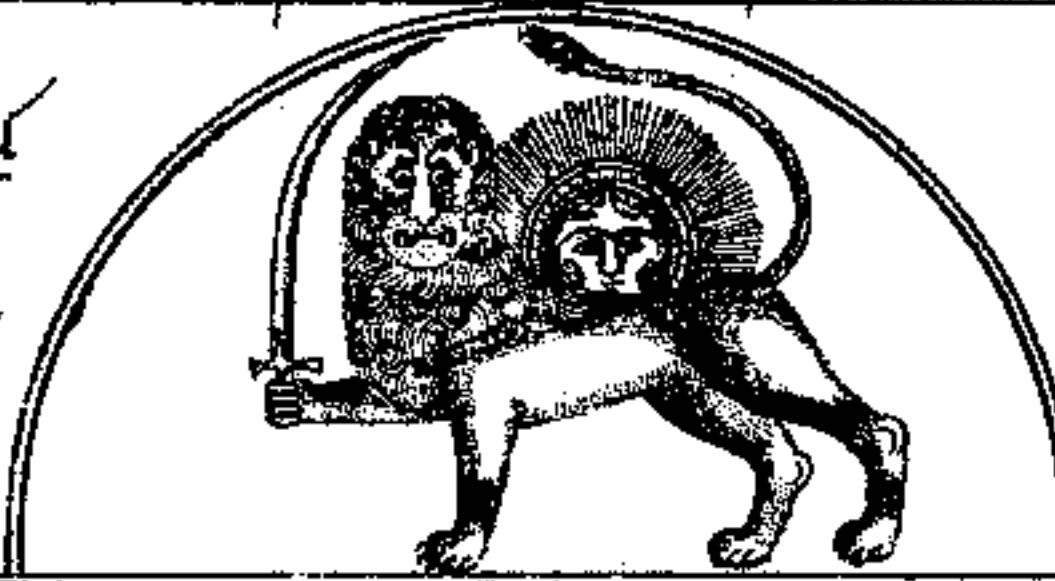
بگذارند از قاری که معلوم بشود دول خارج دیگر مانع این امر شده  
 بعضی قسم میکنند که مثل سال گذشته از وزارت آبخا دست خواهد  
 کشید و وزرای دیگر در آنجا برقرار خواهند شد اما خبر آخر که از آنجا  
 آمده است این است که مثل سال گذشته باز وزیر بود و آبخا

کل در دست او بود  
 اعلانات

قیمت کتابهایی که در دولت علیه ایران انطباع یافته در روزنامه  
 سابق نوشته شده و مجدداً باز نوشته میشود هر کس خریدار باشد  
 در طهران در نزد حاجی عبدالمجید استا و دارالطبافه که این روزها  
 در کارخانه او انطباع میشود ازین قرار عرض میشود  
 کتاب حافظ پنجاه و دینار  
 کتاب مجلس یک تومان و دو هزار پانصد  
 کتاب حله پانزده هزار دینار  
 کتاب سخنه حکیم پانزده هزار دینار  
 کتاب معالم هشت هزار  
 کتاب نظامی یک تومان  
 کتاب مطلق یک تومان  
 کتاب کسکول هشت هزار دینار  
 کتاب حله پنجم یک تومان  
 کتاب حیات القلوب یک و نیم هزار  
 کتاب براد المعاد پنجاه  
 کتاب زینة المجالس یک تومان  
 کتاب فضول خوارزمی دو تومان  
 کتاب سخنه المجالس یک تومان و دو هزار پانصد  
 کتاب قصص الانبیا پنجاه

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم بیستم شهریور محرم سال ۱۲۶۸

نزهت سی و هشتم  
بر کس در طهران طالب است  
ازین روز تا ماه باشد  
در دکان میر سید کاس  
بوفروشش فروخته شود



نیت روزنامه  
یک نسخه در هر روز  
قیمت اعلاوات  
یک سطر ماچار سطر کتبی  
بیشتر باشد سطر کتبی

اخبار و احداث ملک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

درین مقصد در روز بیستم شهریور در دولت علیه ایران  
این عید را از سایر اعیاد شهر نفی می شمارند و علیحضرت پادشاهی  
باز سلام دادند و شاهزادگان عظام و امانا و اعیان دولت جاوید  
درت و مقربان حضرت گردون بملت و سایر خدمت چشم هر یک  
بر تبه و نظام خود شرفیاب حضور هر طور گردیدند و نیت پادشاهی  
خلافت بخلاف را خطبه و قصیده در حضور جلال خوانده شد و بیای  
جشنی طوکاره فرمودند و بعد واسم جناب لایت تاب امیر اکبر  
علی علیه السلام صد و ده توبه شینک شد هموم اهل ایران که پیروزان  
امته امام علیهم السلام التحیه و السلام سپاس شدند درین عید کمال خرمی و  
انبساط را دارند و با یکدیگر رسم موافقت بهشت سیر حضرت  
سید المرسلین صلو الله علیه و علی آباءه الطیبین و اولادیه الطاهرین  
سلوک میدارند

اعلیحضرت پادشاهی بعد از اجتناب از سفر تیرج و عتبات چاکران و  
مرحمت فرموده در وجه طبرستان کاب همایون  
نواب شاهزاده ابوالملوک المغانی درین سفر خاطر مبارک پادشاهی را  
از حسن احوال خود در انجام خدمت تفرقه خوردند و استناده اند

از بلوس تن مبارک مخصوص بهین الاقران مسای گردیدند  
مقربان خان حاجی علیخان خواستشاهی در خدمات موجود خود حسن  
صداقت و کفایت و کاروانی را در پیشگاه پادشاهی ظاهر ساخته اند  
کلیه از بلوس تن مبارک بشمارا به رحمت شده و بهین الاقران  
سراوازر گردید

عالیجاه مهیارخان نماینده فاسی باشی در تقدیم خدمات خیرباد  
مراسم مذکور را معمول داشته به اعطای حقه کرمانی اعلی  
بخصوص ارگمان فرمایش شده سراوازر مسای گردید

عالیجاه القدیروی خان سمرقند توپخانه مبارک توپخانه رکاب  
بانظم راه برده بود یک طاقه شال ابره و یک توبه قسبی پولک  
مرحمت گردید

عالیجاه نصرالدخان زنبورکی باشی نیز در عتبات و نظم زنبورکانه  
داشته به اعطای یک طاقه شال ابره و یک توبه قسبی پولک  
سراوازر شد

عالیجاه میرزا نصرالدشکر نوبس در امر قشون مراتب صداقت و  
حور الظاهر ساخته اند یک توبه حقه تمام سلسله با و خلق حشمت

عالمجاه یوسف خان سرمنگ فرج نثار را یک طاقه شال ابره و یک ثوب  
قبای پولک مرحمت شد  
عالمجاه شیخان سرمنگ فرج ناصریه نیز یک طاقه شال ابره و یک ثوب  
قبای پولک مرحمت کردید  
عالمجاه شاطر باشی بیک ثوب قبا ی زری سرافسراز کردید  
عالمجاه سقا باشی و قصاب باشی نیز هر یک بیک ثوب قبا ی زری  
در وجه متوقفین دارالخلافه  
نواب شاهزاده بهرام میرزا که در ایام سفر حضرت امیر کبیر در ایالت  
ماوراء النهر و دارالخلافه طهران بودند از حسن سلوک و رسیدگی به احوال  
رعایا و منظم داشتن ولایت خاطر مبارک حسروانی را از خود سرور  
داشتند لهذا به عطای بیک قصبه کار در مرتفع و یک ثوب جبهه زرد ابره  
تتم مبارک معزز و مسای که دیدند  
مقربان خان اجدان باشی در امر نظام حضرت خیر نظام تمام داد  
و بحسن اتمام و کفایت کار دانی در رسیدگی بکار احاد و اولاد نظام  
مورد عنایت پادشاهی گردیده به عطای بیک قصبه سر صرر مخصوص  
وسای که دیدند  
عالمجاه جعفر طرخان سرتیپ افواج مرانه را بیک ثوب جبهه کرمانی اعلی که بجهت  
از کرمان فرمایش شده بود مرحمت شد  
مقربان خان رضوان آقا سرتیپ و پانزده مبارکه راجه کرمانی اعلی که از کرمان  
فرمایش شده بود مرحمت شد  
عالمجاه داود خان سرتیپ در تعلیم و مشق افواج توقف دارالخلافه  
اتمام نموده لهذا بیک ثوب جبهه زرد ابره  
عالمجاه محمد حسن خان سرتیپ افواج ذالمانی را بیک ثوب جبهه کرمانی  
مرحمت کردید  
عالمجاه علیخان سرمنگ سواد کوی راجه کرمانی اعلی مرحمت کردید

عالمجاه علی رضا خان سرمنگ راجه کرمانی اعلی مرحمت کردید  
عالمجاه علی خان سرمنگ فرج چهارم را شال ابره و مرحمت کردید  
عالمجاه مهدیخان سرمنگ فرج خرفانی را شال ابره و مرحمت شد  
عالمجاه محمد حسن خان سرمنگ فرج کلهر را شال ابره و مرحمت شد  
عالمجاه ذر زاده خان نایب اجدان باشی را شال ابره و مرحمت شد  
عالمجاه رحمت الله خان نایب اجدان باشی را شال ابره و مرحمت شد  
عالمجاه تراب خان نایب اجدان باشی را شال زرد و مرحمت شد  
عالمجاه لطفعلی خان کلبادی را شال ابره و مرحمت شد  
عالمجاه محسن خان سورنی را شال ابره و مرحمت شد  
عالمجاه شکر الله خان ذانی را شال ابره و مرحمت شد  
عالمجاه حسین خان یوزباشی را شال ابره و مرحمت شد  
عالمجاه ان اسکندر خان و فتحی که نایبان اجدان باشی هر یک بیک  
طاقه شال ابره و یک ثوب قبا ی پولک مرحمت کردید  
عالمجاه محمد حسن خان کلانتر در اسطلام امر شهید رسیدن به امورات  
رعایا و اصناف و کسبه و غیره کمال سعی و اهتمام را نموده و مورد  
مرکز دید یک قلعه زنجان و حضرت که آن بزرگوار عیادت  
عالمجاه آقا مهدی ملک التجار در صنایع بازار و کاروانسرای آبا بیکه در رسیدگی  
به امور تجارت اهتمام وافی بعمل آورده بیک ثوب جبهه زرد و  
مرحمت کردید  
عالمجاه حاج میرزا تقی میرزا رضا در کجانبان و که خدا شریف کدخدایان  
دارالخلافه طهران در رفاهت محله خود در تربت مشکنداری را در نظم و احوال  
ظاهر ساخته اند هر یک بیک ثوب جبهه سلسله مرحمت شد  
محمد بیک مصطفی بیک و آقا بیک و امان الله بیک که بزرگوار بیک طاقه شال کرمانی

م  
م  
م

ز  
م



اعلیٰ رحمت گردید

جناب میرزا محمد حسین ایچی مخصوص که با صاحب منصبان نامور خدمت

در وجه نامورین سفارت

عالیحضرت امیر طر اعظم کل نالک دس بیاض اعطایا  
یک ثوب چیتہ ترم از طبعوس تن مبارک یک طاقه شال کرمانی  
اعلیٰ مخصوص مہبای گردید

عالیچاہ محمود خان نایب اول سفارت یک ثوب چیتہ  
و یک طاقه شال کرمانی اعطایا مخلص گردید

عالیچاہ بھی خان منجر بم سفارت بہ اعطایا یک قبضہ شمشیر  
تہ غلاف طلا و یک طاقہ شال ابرہ مہبای گردید

عالیچاہ سیراز بزرگ نویسنده سفارت را یک طاقہ شال ابرہ  
مرحمت شد

نواب شہزادہ مصطفیٰ قلی میرزا کہ در ہفتہ گذشتہ نوشتہ شدہ  
کہ نامور حکومت مازندران کردید نظر با سیکہ در ایام حکومت  
ارومی کمال حسن سلوک و رعیت داری نظم ایشان محفوظ  
نظر اولیای دولت علیہ کردید لہذا درین اوقات ایشانرا بملک  
مازندران سرافراز فرمودند و یک ثوب چیتہ ترم از طبعوس  
تن مبارک سجدہ اشعار ایشان مرحمت گردید و درین روز با  
حکومت روانہ خواہند کرد

مغرب انخافان سلیمان خان خانان مور و عنایت حسروا  
گردید و یک طاقہ شال ابرہ و یک ثوب سیامی اطلس وزی  
ترمہ مخلص و مہبای گردید

در روزنامہ ہفتہ گذشتہ نوشتہ شدہ بود کہ جناب سیر احمد  
ایچی مخصوص با صاحب منصبان سفارت خانہ نامور سفارت

بیتہ روس گردیدہ در روز چہار دہم این ماہ بنا بود کہ بحمل  
ناموریت روانہ شوند بچہ کثرت شغل تا روز یکشنبہ شازدہ  
در اکبر آباد توقف داشتہ و در روز شازدہ دہم از آنجا روانہ

مقصود شد

دریں حاضر کردن این روز نامہ چاپار از اسلامبول رسید  
روزنامہ چاپی اسلامبول و پاریس و لندن و اگر جای رودی  
زین بیاضترین روزنامہ دار اختلافہ رسید چونکہ جان بود کہ نہ روزنامہ  
تفصیل نویسد لہذا مختصر نوشتہ شد و سایر اخبار دول  
در صفحہ آئندہ خواہد نوشت

تا بیچ کاغذ آخر کہ از اسلامبول رسیدتہ و سیوم ذی قعدہ بود  
جناب جلالت نائب سیر کیر دولت علیہ غلام کہ نامور بہ سفارت دار  
طہرانت تدارک میدید کہ بحمل ناموریت خود بیاید و از صاحب  
سفارتخانہ کہ مرہ مشارالہ پیشا پان تفصیل

حسد را فندی مشیر سفارت خانہ  
رضیم یک کہ الان در دار الخلافہ از جانب دولت و مصلحت کہ از انت ناپ اول  
خالہ افندی ناپ دوم  
زمان افندی کہ در افواج خاصہ باورست صاحب منصب کی تین سفارتخانہ  
مخار افندی در سدر مکاتیب محرمہ سلطان دار الشیک اتابا بی سفارتخانہ  
تفیک افندی صاحب منصب سفارت شیش صاحب منصب کیر ہرہ

تا بیچ کاغذ آخر کہ از پاریس پای تخت فرانہ رسید باز دہم ذیقعدہ  
در اولای کفشکوی زیاد و درین مردم بود کہ سال آئندہ کہ رئیس تازہ با نامور  
ریاست اولایت باشد کہ خواهد بود و عذر ریاست لوی اطمینان چلید  
بعد از عید نوروز سال آئندہ است و در آن ایام مردم مستطخر خونی اقتضای  
پاسند گو یا اہل فرانہ میخوانند اقتضای این چند زندہ و از بعد کل کلمات

ماتر شال  
۲

### سایر ولایات

از اصفهان نوشته اند که عالیجاه پیر اغلی خان نایب الحکومه بنا به  
 بجهت ساختن قراول خانها گذاشته که چنانچه در اغلب بلاد معظم  
 ایران از قبیل طهران و تبریز و مشهد مقدس و غیره حسب الامور  
 دولت قاهره و اول خانها ساخته شده و مردم از فواید آن  
 و آسودگی مستند در اصفهان نیز ساخته شود و البته ایستام عالیجاه  
 مشارالیه بزودی ساخته خواهد شد

از فرار که در روزنامه آذربایجان نوشته اند نظریه استامی که انسانی  
 دولت علیه در باب حکام ولایات فرموده که سان عاقل و قابل باشد  
 و مردم و در حکومت هر جانی همین کرده اند اغلب تفرقه ایل و عشق که  
 سابقا جلای وطن کرده بودند حال میں وطن اصلی خود نمودند و  
 از حوالی سلان که از اجابت قدیم دولت علیه بودند و در ستوناه  
 سابقه از سو سلوک حکام خوی یعنی از خاندان آنها متفرق شده  
 بودند این اوقات بلاخط نظم امر ولایت خوی حسین سلوک در  
 عالیجاه محمد رحیم خان حاکم خوی باو سلطان خود معاودت می نمایند  
 و از فرار که در روزنامه خوی نوشته اند یکصد خانوار از آنها در این  
 روزنامه معاودت نموده بجای خود سکنی گرفته اند و هم چنین  
 یکصد خانوار هم از این شکفتی از تبه علی آقا از سو سلوک مبارک  
 سابقین آن ولایت از سکن اصلی خودشان رفته بودند این اوقات  
 معاودت بجای خود نموده اند

بیشتر پولی بجهت خارج میان ده از قبضه دیپتخان سلیمان سر کرده  
 شده است عالیجاه محمد رحیم خان حاکم خوی دستمال محضرت  
 و آسودگی مردم قرار داده است که این وجه را موقوف داشته  
 از امالی آنجا مطالبه نمایند و آنها از ادای این وجه معاف باشند  
 و امالی آنجا در حال بیعای دوام دولت لایزال اشتغال دارند

در روزنامه آذربایجان و گنگاور نوشته بود که نظم امر آنجا  
 بطوریت که اسال سه چهار هزار زوار از خراسان و  
 آذربایجان و عراق و ما زندان آمده و از آنجا با کمال امانت  
 رتبه کرده اند و بسیاری از مال آنها را دزدیده است و  
 سالهای سابق از دست دزد و قطاع الطریق در قتل و  
 خوف و خطر بودند و امنی از برای زوار حاصل نبود این  
 زوار و مترودین از حصول این نظم و امانت در نهایت شکرند  
 و دعا گوئی دولت جاوید است قاهره میباشند و نوشته  
 که بعد از ورود و مقرب نجاران سلیمان خان اوتار سرگربان  
 ولایت از اسطام امر او بامر دزدی از آنجا رفع شده است  
 در جای و امالی آنجا از حسن مرافقت و موافقت مشارالیه آسوده  
 و مراد کمال شکرند

در روزنامه خراسان نوشته اند که در ترشیر بیشتر بازار  
 درست و خوبی بود اسال از توجهات اولیای دولت علیه  
 در آنجا بازار خوبی در پنج ذرع عرض و هفت ذرع ارتفاع  
 ساخته شده و در ماه رمضان المبارک به اتمام رسیده

ملا علی حسین نامی ترشیری مرد عالم و فاضلی بوده معانی بسیار  
 دارد شده و طبایع از مال حمان مرزور در طایفه خانه اخوند بوده  
 طبعی طبایع را برداشته است اخوند خواسته است طبایع را  
 از دست طفل بگیرد اما کلاه طبایع خالی شده پسند اخوند خود  
 ساعتی تمذه بوده و محرم شده

در روزنامه تبریز نوشته اند که در دست دویم ذی قعدة یک عت تبریز  
 بزور آمده تا نیم ساعت کشته و کنگ هم با زبان بوده و بعد از بارش میل بوده  
 که چنانچه در همین که آن را جذب کرد آنرا در تبریز و خرابی بودی  
 احوالات متفرقه

در روزنامه جریده حوادث اسلامبول که تاریخ یازدهم  
 ذیحجه نوشته اند بجهت نیایدن باران در آنجا کم آبی بوده و چون  
 در چنین وقتی اگر خانه یا دکانی آتش بگیرد بجهت نبودن آب خاموش  
 کردن آن مشکل خواهد بود و تسویش دارد که باطراف و محلات بسیار  
 بکنند لهذا حکم شده است که صنعت کارانی که پیش و ذغال کار  
 می کنند نهایت محافظت در کار آنها بنماید که بسبب آتش بدکان  
 یا خانه بقیه که بجهت آن آب خرابی کلی در آتش که شش صورت است  
 محافظت آنها مدغم آید کرده است

از شهر مذکور در پای تخت اسپانیول نوشته اند که درین تابستان  
 حرارت در آن ولایت بسیار شدت داشته و چهار ماه بود  
 که هیچ باران نیامده بود و چونکه زراعت این مملکت از باغات  
 و غیره کلاً دریم است بسیار ضرر بجهت خشکی دم آبی کشیده اند و در  
 بعضی جاها نیز درختها آتش گرفته و تا چند فرسخ سوخته بود و در  
 جنگل نزدیک سپاسی تحت که شکارگاه پادشاه بود درختها آتش  
 گرفته و جنگلی سوخته شده بود و در سمت بلوکات در یک جایی  
 که جنگل درخت کاج بوده آنجا نیز آتش گرفته و چهار فرسخ مربع  
 سوخته و این حرکت آتش روز طول کشیده و در سمت سرگشته  
 که یکی از شهرهای اسپانیول است بسیار قطعی آب بوده و حکم سخت  
 از جانب دیوان شده بود که اینقدر آب نگاه دارند که خلق تلف نشوند  
 و مردم از شهرها و قصبه بجهت دغای باران بیرون میروند و کاه  
 بجهت سیاحت مردم و چاهها را هم چیک بوجه نمی اندید بجهت تلف  
 اسبها از حرارت و بی آبی

ایضا در روزنامه جریده حوادث اسلامبول نوشته اند در ماه  
 رمضان گذشته طوفان شدید شده بود است و چند روز  
 پیش از آن طوفان شدید با باران شده در یک قریه که صد چاه

خانه بود و معناد خانه را آب خراب کرده و در سمت آنجا در مردم  
 نیز خرابی زیاد رسیده و نهر رون که از سمت جنوب مملکت است  
 بگذرد و به بحر سفید میریزد آتش بالا آمده و باطراف که آبادی در آن  
 و باغات بوده ضرر زیاد رسانده و بجهت آباد کردن آنجا از جمیع  
 زانند با صد هزار فرانکه که مبلغ پنجاه هزار تومان پول ایران است  
 داده شده است که آنجا را که آب خراب کرده دوباره آباد نمایند

از خرابی که در روزنامه جریده حوادث اسلامبول نوشته اند در  
 دولت استریه چون آب زیاد نگاه میدارند بجهت قشون سواره  
 آنجا آب کم بوده امپراطور استریه حکم کرده است که اعیان  
 بزور در هر مرتبه و منصبی که باشند زیاد از آب  
 نگاه دارند

در مملکت ناپولی در تاریخ شانزدهم شوال زلزله سخت شده و بجهت  
 آن ولایت کم و بیش خرابی رسیده از جمله سی و دو بالمره خراب شده  
 و بعضی از شهرها و قصبهها نیز خرابی یافته و از زیر یک دیوار خانه که  
 شده بوده پنجاه نفر مرده یکبار در آورده اند و در قصبه دیگر که نام  
 آن نفی است و جمعیتش ده هزار نفر باشد بمقتضای زلزله خرابی  
 و در ولایت نفرت چهار شده اند و قصبه دیگر بالمره منهدم گردیده که  
 دیواری باقی نمانده نزدیک هفتاد سال پیش ازین بجهت زلزله  
 درین ولایت شده بود اما از آنوقت تا بحال دیگر اینطور زلزله  
 یاد نمیداد پادشاه این ولایت صاحب منصبان با آنجا فرستاده  
 و خواهی داده است بجهت آنها که بی خانه مانده اند با شکست  
 شده اند مردم در اطراف نیز در کلیتیا و غیره پول بجهت این  
 جمع می کنند و میفرستند و موافق خبر آخر که از ناپولی آمد حساب شده  
 که تا آنوقت از زیر خرابیها در آورده اند شصت و پنجاه نفر

۱۹۳

بوده اند درین زلزله نیز در آن دو ایام کشت مسکروند و  
 زیاده میسوزند و در جزیره سینیلیا که جزو مملکت ناپولی است زلزله  
 سخت تر از جای دیگر شده است و این زلزله در روزهای  
 نظر اتفاق افتاده بود که اگر اهل ناپولی در آن وقت در ماستان  
 میخوابیدند و از آنجا بیدار شدند و از آنجا بگریخته اند و بعضی که زیاده  
 خوابیده است در قدیم جای که سوزنده بود که خاموش شد  
 از سنگها و زمین اطراف آن معلوم میبود و دایم اوقات در آنجا  
 زلزله کم و بیش ظهور میکرد اما بعد از آن سال بود که زلزله باین سختی  
 در آنجا نشد و بود و که سوزنده و سیوس در آن زلزله است  
 یکروز دود و آتش و آتش از آنجا سر آمد  
 جناب قشون مملکت ناپولی را در اوقاتی که جنگ باشد در روز  
 شهر جنوا باین تفصیل نوشته اند کل قشون چهل و پنج هزار نفرند  
 از آنها نوزده هزار نفر سوار و چهار هزار و پانصد نفر سواره نظام  
 و دو هزار و شصت نفر پیاده و باقی قشون پیاده اند که سینه محاط  
 شهرها و راهها و غیره معین اند و قاعده دولت ناپولی این است که  
 هر کس بیست و هفت سال ناپیت و پنج سال باید در میان قشون  
 آفرودت بخوابد مشول خدمت باشد و توپچیان باید شش سال  
 خدمت نمایند و سایر قشون پنج سال بعد از آن اگر بخواهند خارج  
 میشوند و درین جنگ سینه اند قشون را تا شصت و چهار نفر نگینند  
 در میان اجناسی که از بند و ستان بجزارت بلور لادن فرستادند  
 بعضی از جنسها و کار و مارا بطور غریب ساخته اند از جمله جنوری بوده که  
 دسته از طلا بوده و علف او را و کمال امتیاز آرایش کرده  
 بوده اند چنان میدانستند که این جنسها را در جنسها یکسخت  
 تار و زری شخصی مسند این جنسها را حکم کرده قشار داده و دیگر از هر طرف

۱۹۴

تیغه دو تیغه دیگر سر بردن آمد که پنج تیغه در آن جنس تقبیه بود و در  
 پنج تیغه دو طرفش تیز و سرش مثل سار و جنسها نیز بود  
 و یک کار و دیگر هم از بند و ستان بجزارت بلور آورده اند  
 که آنهم سه تیغه وارد و دو تیغه اش در میان دسته پها  
 در وقت که بخواهند دسته او را محکم می فشارند از دسته سر بردن  
 می آید سخت کاران انگلیس در ساحل این جنسها و کار و معطل مانده اند  
 و میدانند که اینها را چگونه ساخته اند

و مملکت یونکی دنیای شمالی از جانب دولت حکم شده است  
 که بعد ازین کل قشون قبای تمام دامن پوشند از راهوت کبود  
 قبای سلطان و صاحب منصبان را سینه یک لای سازند  
 و قبای پاورا و سونکاد غیره را پیش سینه دولا و چونکه  
 قبای کل قشون را یک رنگ کرده اند و داده اند که سردست  
 و سینه توپچیان قرمز باشد و از سربازان لاجوردی و سایر قشون  
 سردست و سینه شان هر یک یک رنگ باشد

### اعلانات

قیمت کتابهایی که در دولت علیه ایران انطباع شده و در روز  
 سابق نوشته شده مجدداً نوشته می شود که هر کس خریدار باشد  
 در طهران در نزد حاجی عبدالقادر استاد دارالطباعة من روز  
 ازین قرار فروخته میشود

- کتاب حدیقه حکیم ثانی یک تومان
- کتاب یوسف زلیخا چهار هزار دینار
- کتاب مرثیه منقول پنج هزار دینار
- کتاب جوهری هشت هزار دینار
- کتاب حیره قطوب جداول دو تومان
- کتاب حق الیقین پانزده هزار